



فهرست مطالب

- مخالفت شورای امنیت با قطعنامه پیشنهادی روسیه برای «آتش بس فوری» ۲
- مبارزه جنبش مقاومت فلسطین بر علیه اشغالگران صهیونیست تعطیل بردار نیست ۳
- دروغ‌ها وجعلیاتی که باید افشا شوند ۵
- بمباران بربرمنشانه بیمارستان غزه « کار خودشان بود»!! ۶
- اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) ۷
- چه کسانی «جانوران انسان نما» هستند ، فلسطینیان یا صهیونیست‌های اسرائیلی ؟ ۸
- جنگ آزادبخش ملی فلسطین، جنگی تدافعی و عادلانه است ۹
- بیانیه مشترک احزاب و سازمان‌های انقلابی و کمونیست در آفریقا و آسیا در همبستگی و حمایت ۱۰
- هولوکاست واقعی اینجا در غزه است ۱۱
- اسنادی تکان دهنده از مسموم سازی زمین‌های فلسطینی ۱۱
- قوای متجاوز و اشغالگر صهیونیست طبق حقوق بین‌الملل «حق دفاع از خود ندارد» ۱۲
- دفاع چهره‌های معروف دنیا از خلق فلسطین ۱۳
- همکاری جنایتکارانه امپریالیست‌های غربی و اسرائیل ۱۴
- بیانیه مشترک اتحادیه‌های کارگری فلسطینی: ۱۵
- تظاهرات میلیونی در سراسر جهان در همبستگی با خلق فلسطین و محکومیت اسرائیل ۱۷
- چرا خفقان گرفته‌اید؟ ۱۸
- باز هم ارتش جنگ هیبریدی به صف شدند .چند نکته در مورد بلوای اخیر ۱۹
- قتل فجیع داریوش مهرجویی وهمسرش، مردم و جامعه هنری را در شوک فروبرد ۲۰
- سخنی پیرامون لایحه قرون وسطایی "عفاف و حجاب" و بن‌بست حکومت ۲۱
- در جبهه نبرد طبقاتی ۲۴
- کارگران ساختمانی به مثابه نحیف‌ترین حلقه زنجیره کارگران ایران ۲۷
- ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده ۲۸
- گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش ۲۹
- پرسش به یک پاسخ در تلگرام ۳۱

نماینده انگلیس در سازمان ملل در توجیه مخالفت با توقف کشتار فلسطینی‌ها در نوار غزه ادعا کرد: «ما نمی‌توانیم از قطعنامه‌ای حمایت کنیم که اقدامات تروریستی حماس را محکوم نکند»

«ژانگ جون» سفیر و نماینده چین در سازمان ملل نیز در سخنانی گفت: نگران تصمیم اسرائیل برای محاصره نوار غزه هستیم. از اسرائیل می‌خواهیم مجازات‌های دسته جمعی علیه ساکنان غزه را متوقف کند. دیپلمات ارشد چین در سازمان ملل تاکید کرد: محافظت از غیرنظامیان باید اولویت همه طرف‌ها باشد.

این قطعنامه پیشنهادی و طرح فوری آتش بس و پایان دادن به بمباران غزه از سوی روسیه و مخالفت آمریکا و شرکا پرده از سرشت جنگ طلبی، قتل و کشتار و حمایت بی چون و چرای این آدمخوران امپریالیست از صهیونیسم اسرائیل برمی‌دارد. آتش بس فوری و قطع بمباران و لغو تحریم‌های ضد بشری مردم غزه، خواست همه صلحدوستان جهان است.

اما سرانجام در اثر اعتراضات جهانی علیه کشتار مردم غزه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مجبور شد قطعنامه ای را برای آتش بس روز جمعه ۲۷ اکتبر به تصویب برساند. قطعنامه «آتش بس انساندوستانه» در غزه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با رأی قاطع هیأت‌های نمایندگی کشورهای عضو به تصویب رسید. قطعنامه پیشنهادی اردن درباره آتش بس انساندوستانه در غزه با ۱۲۰ رأی موافق در مقابل ۱۴ رأی مخالف و ۴۵ رأی ممتنع، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این قطعنامه خواستار «آتش بس فوری و پایدار جهت توقف درگیری‌ها» شده است. این قطعنامه البته غیرالزام آور در حالی شامگاه جمعه در مجمع عمومی سازمان ملل رای آورده که ۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل که بسیاری از این کشورها گمنام هستند و با دریافت کمک‌های مالی از طرف آمریکا و اسرائیل خریداری شده اند، چهار مرتبه در تصویب قطعنامه در رابطه با درگیری‌های سازمان فلسطینی حماس و رژیم اشغالگر اسرائیل ناکام بودند. «اسامه عبدالخالق» نماینده دائم مصر در سازمان ملل در ابتدای جلسه مجمع عمومی گفت: تلاش سازمان ملل برای برقراری آتش بس به هیچ وجه جانبداری از طرفی نیست. این وظیفه اعضای سازمان ملل در قبال بی گناهان است. سیاست‌های محاصره و محرومیت از نیازهای اولیه، به ویژه آب، جایی در قرن بیست و یکم ندارد، زیرا قرون وسطی را تداعی می‌کند. آلمان رای ممتنع داد.

ریاض منصور سفیر فلسطین در سازمان ملل در مورد تصویب این قطعنامه گفت: «امروز تجاوز زمینی به غزه آغاز شد و مجمع عمومی به توقف فوری آن رأی داد. می‌خواهیم بلافاصله کمک‌های بشردوستانه را به غزه بیاوریم و از اخراج اجباری مردم جلوگیری کنیم. رأی اکثریت اعضای مجمع عمومی به قطعنامه‌ای که خواستار آتش بس در غزه است نشان می‌دهد که فلسطینی‌ها تنها نیستند.»

پایان اشغال سراسر سرزمین فلسطین و انهدام و نابودی نظام فاشیستی صهیونیستی و جعلی و نژاد پرست اسرائیل و تشکیل یک حکومت بزرگ فلسطینی، ضد صهیونیست و ضد استعماری که حقوق همه اهالی این سرزمین را در هر شکل و مذهب و قومی تامین نماید خواست همه مردمان مترقی فلسطینی و یهودی و مسیحی و همه مردم صلحدوست جهان است. از این خواست ملی و انسانی حمایت کنیم و صدای خلق فلسطین باشیم!*



مخالفت شورای امنیت با قطعنامه پیشنهادی روسیه برای «آتش بس فوری» در غزه جنایت علیه بشریت است

سرانجام در اثر اعتراضات جهانی علیه کشتار مردم غزه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مجبور شد قطعنامه ای را برای آتش بس روز جمعه ۲۷ اکتبر به تصویب برساند

در جلسه دوشنبه شب شورای امنیت سازمان ملل با کارشکنی نمایندگان سه کشور آمریکا، انگلیس و فرانسه، قطعنامه پیشنهادی روسیه برای آتش بس و توقف حملات رژیم صهیونیستی به نوار غزه به تصویب نرسید. اما سرانجام در اثر اعتراضات جهانی علیه کشتار مردم غزه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مجبور شد قطعنامه ای را برای آتش بس روز جمعه ۲۷ اکتبر به تصویب برساند. قطعنامه «آتش بس انساندوستانه» در غزه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با رأی قاطع هیأت‌های نمایندگی کشورهای عضو به تصویب رسید.

چین، گابن، موزامبیک، روسیه و امارات به قطعنامه روز دوشنبه رای مثبت دادند و فرانسه، ژاپن، بریتانیا و آمریکا با آن مخالفت کردند. شش کشور آلبانی، برزیل، اکوادور، غنا، مالت و سوئیس نیز رای ممتنع دادند

نماینده دائم روسیه در شورای امنیت پس از رأی نیاوردن قطعنامه پیشنهادی مسکو برای آتش بس فوری گفت که جهان منتظر است تا شورای امنیت اقدامات بیشتری برای توقف قتل عام و خونریزی انجام دهد، اما چنین پیام واحدی توسط دولت‌های غربی «مسدود» شد. نماینده آمریکا در این نشست با ادعای اینکه قطعنامه روسیه هیچ اشاره‌ای به عملیات حماس نداشت، مدعی شد: «حماس عامل بحران انسانی کنونی در غزه است.»



مبارزه جنبش مقاومت فلسطین بر علیه اشغالگران صهیونیست تعطیل بردار نیست

یورش بر حق جنبش مقاومت فلسطین بر اشغالگران صهیونیست در ۷ اکتبر ضربه کاری و جبران ناپذیری بر پیکر کل نظام صهیونیستی، به ویژه بر افسانه قدر قدرتی ارتش آن وارد کرد و آنرا بی آبرو ساخت. تنها ۱۰۰۰ نفر از رزمندگان فلسطینی ۲۵ شهرک اسرائیل را ۳ روز کامل تحت کنترل خویش درآوردند. همزمان هزاران موشک سوی اسرائیل پرتاب کردند، بسیاری از نظامیان را کشته و قریب به ۲۰۰ نفر را به اسارت بردند. به سخن دیگر جنگ ۷ اکتبر یک پیروزی سیاسی و نظامی بزرگ برای سازمان فلسطینی حماس که تنها ۴۰ هزار رزمنده، تعدادی آربی جی و چند هزار موشک در اختیار دارد در مقابل به اصطلاح چهارمین ارتش جهان که با نیروی ذخیره اش ۴۰۰ هزار عضو دارد، به شمار می آید. وجه دیگر این پیروزی در عرصه دیپلماسی بود که میان برخی از کشورهای عربی و اسرائیل در سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۱ در زمان ریاست جمهوری ترامپ طراحی شده بود و می‌بایست با انعقاد قرارداد صلح میان اسرائیل و عربستان به نقطه اوج خود رسد. اما با حمله اخیر حماس این نقشه‌ها نیز نقش بر آب شد. کشورهای مرتجع عرب و کل دنیای غرب که فلسطین و فلسطینی را عامدانه به محاق سپرده بوند، امروز توده های چند صد هزار نفری که در خیابانها به دفاع از فلسطینی و جنبش مقاومت آن برخاسته اند، آنها را از خواب غفلت بیدار کرده اند. تظاهر کنندگان با خواست استیفای حقوق حقه ی خلق فلسطین و برقراری صلح، رژیم های خود را تحت فشار گذارده اند. با ادامه جنایات اسرائیل و حمله احتمالی زمینی ارتش اسرائیل به غزه بدون تردید نیروهای ضد صهیونیستی منطقه نظیر حزب الله لبنان، حوثی های یمن، «اران حماس» متشکل در گروه های مسلح عراقی و... به پشتیبانی از حماس وارد صحنه جنگ خواهند شد یا نه. اینکه آیا پای ایران نیز به میان کشیده شود یا نه بستگی به این دارد که اسرائیل با پشتیبانی اربابش آمریکا به بهانه پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از سازمان مقاومت حماس با ایران نیز درگیر خواهند شد یا نه. امری که با وقوع آن، منطقه به آتش کشیده خواهد شد.

گرچه هم اکنون دو ناو هواپیمابر امپریالیسم آمریکا به همراه چند کشتی جنگی در شرق مدیترانه پهلو گرفته است ولی بعید به نظر می رسد که وارد جنگ جدیدی در خاورمیانه شود، در همان منطقه ای که به علت دو شکست، یکی در افغانستان و دیگری در عراق دُمش را روی کولش گذارده و فرار را بر قرار ترجیح داده بود.. اسرائیل نیز به علت شکاف عمیقی که نه تنها در جامعه که در ارتش آن وجود دارد، معلوم نیست که تا کجا یکه تازی خواهد کرد. وزیر دفاع (بخوان جنگ) آدمخوار اسرائیل که مردم این کشور او را مسئول پیروزی ۷ اکتبر سازمان حماس می دانند، زیرا که بخش اعظم نیروی نظامی را از نوار غزه به کرانه باختری، جهت دفاع از صهیونیست ها در شهرک‌های تازه بنیان گسیل داشته بود، اکنون با وقاحت کم نظیر عمل حیوانی خود را به فلسطینی ها نسبت داده و برای توجیه قلع و قمع ساکنان غزه آنها را «حیوان های انسان نما» می خواند! از سوی دیگر نتانیاهو برای اینکه چهره ای «انسانی» به خود گیرد سالوسانه به مردم غزه اولتیماتوم می دهد که برای «حفظ جان خود» شمال غزه را ترک کنند! باید از این عنصر نژاد پرست فاشیست پرسید امروز که کل زندان غزه زیر آتش بمباران تو قرار گرفته است این مردم به کجا باید بروند؟! در واقع ساکنان غزه در تله اسرائیل - مصر گرفتار آمده اند زیرا نه پناهگاهی وجود دارد و نه راه فراری، آنچه که در خیابان‌های غزه در انتظار آنها است بمب های جنایتکاران اسرائیل است که از آسمان نازل می شود. صحنه های دهشتناکی که ۱۸ سال است با آن روبرو هستند. آیا می توان نام دیگری جز جنایت علیه بشریت بر این نسل کشی و پاکسازی قومی که اسرائیل بر مردم فلسطین تحمیل کرده است، نهاد؟ دولت کنونی اسرائیل به مثابه راست ترین دولت صهیونیستی که این کشور تا کنون به خود دیده است، در آرزوی دستیابی به «اسرائیل بزرگ» شب را بروز و روز را به شب می رساند، محاصره غزه و تخریب سیستماتیک آن و نابودی ساکنینش را باید گامی در جهت تحقق این هدف فاشیستی و شوم به شمار آورد.

در این رابطه بد نیست به این نکته نیز اشاره کنیم که رؤیای ساختمان معبد دوم یهودیان که توسط رومی ها ویران گشته بود، در همان مکانی که مسجد الاقصی بنا شده است را در سر می پروراندند. به سخن دیگر مسجد الاقصی به مثابه نخستین قبله و سومین مکان مقدس مسلمانان، که قریب به ۹۸۸ سال قدمت دارد باید از سر راه صهیونیست ها برداشته شود. دو وزیر فاشیست این دولت علنا خواهان پاکسازی قومی اند، تا جاییکه که روزنامه لیبرال اسرائیلی ها آرتص آنها را تروریست اسرائیلی می نامد. به دستور آنها، آب، برق، سوخت و مواد غذایی به طور کامل بر روی غزه بسته شده است. نام این عمل «مجازات جمعی» است که طبق قوانین بین‌المللی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود ولی «دنیای

اروپای دموکرات و شیفته «حقوق بشر به هیچوجه اهمیت نداشته و دستگاه های عریض و طویل دروغگویشان مهر سکوت بر لب زده اند. این تنها غزه نیست که با روش حیوانی اسرائیل مواجه است. فلسطینی های ساکن کرانه باختری نیز وضع بهتری ندارند. در اینجا نیز سیاست شهرک سازی توسط متعصب ترین و قصی القلب ترین یهودیان کماکان با زور و پشتیبانی ارتش اسرائیل به پیش می رود تا با تصرف دهات و زمین و مسکن فلسطینی ها، شهرک های جدید بنا کرده و صهیونیست های آدمکش را در آنجا مستقر سازند. تنها از آغاز سال مسیحی جدید تا کنون ۲۰ دهکده در این منطقه تخریب، ساکنینش آواره و یا کشته شده اند، تا متعصب ترین عناصر صهیونیست در آنجا سکنی گزینند. هر فلسطینی که از زمین و مسکن خود دفاع کند به مثابه «تروریست» یا به گلوله بسته می شود، یا دستگیر شده و در زندان های اسرائیل به اسارت گرفته می شوند. کرانه باختری رود اردن، این مقر به اصطلاح دولت خود گردان محمود عباس عملا به دو بخش تقسیم شده است. بخش شهرک های صهیونیست های مسلح نشین و بخش فلسطینی ها. فلسطینی ها در خیابانها و جاده هایی که به بخش شهرک نشینان ارتباط دارند حق تردد ندارند، در غیر این صورت دستگیر و یا به گلوله بسته می شوند. در رسانه های گوش به فرمان غربی هیچگونه خبر و اثری از این وقایع نه به چشم می خورد و نه به گوش. باید تصور کرد که فلسطینی هایی که از رام الله قصد سفر به اورشلیم و مسجد الاقصی را داشته باشند حق استفاده از تنها جاده موجود میان رام الله و اورشلیم را ندارند. آنها می بایست از جاده های فرعی عبور کنند که در این صورت با ایستگاه های متعدد کنترل که تعداد آنها در کرانه باختری به ۵۵۰ عدد می رسد مواجه خواهند بود، که اغلب از ادامه سفر آنها ممانعت به عمل می آورند. در صورت اعتراض باز به عنوان تروریست یا مورد اصابت گلوله قرار خواهند گرفت و یا دستگیر و راهی زندان می شوند. این وضع کم و بیش از زمان اشغال این سرزمین در سال ۱۹۴۸ و پس از سال ۱۹۶۷ نیز همچنان ادامه دارد. اشغال گران هر روز بیشتر از روز قبل حقوق فلسطینی ها را از آنها سلب می کنند. اسرائیل با این رفتار خود عملا فلسطینی های کرانه باختری را وادار می سازد که به شهر های نابلس و جنین بروند (چون جای دیگری ندارند) و در آنجا در اردوگاه های اجباری تحت نظارت ارتش اسرائیل قرار گیرند. حتی در شهر هبرون خیابان هایی یافت می شوند که در آنها تابولی «مُختص یهودیان» نصب شده است! فلسطینی هایی که جرات عبور از این خیابان ها را به خود بدهند عملا با جان خود بازی کرده اند. این آپارتاید آشکار از سوی غرب «دموکرات و مدافع حقوق بشر» به سکوت برگزار می شود. یک بار «زیگما گابریل» رئیس سابق حزب سوسیال دموکرات آلمان جرات کرده بود از سیاست تبعیض نژادی اسرائیل انتقاد کند که در اثر زیر فشار قرار گرفتن آلمان از جانب دولت اسرائیل، مجبور شد حرف خود را پس بگیرد! اما روز به روز مردم اروپا از جمله آلمان بیشتر از خود سوال می کنند که چگونه می توان فلسطینی ها را که برای در آغوش کشیدن یک لحظه آزادی می رزمند را تروریست خواند و آن را قویا محکوم کرد ولی اعمال قهر در حد جنایت علیه بشریت چندین ده ساله دولت اسرائیل نسبت به فلسطینی ها را به سکوت برگزار کرد و یا آن را تحت عنوان دفاع از خود توجیه کرد؟! لذا تنها صدایی که در غرب در حمایت از جنبش مقاومت فلسطین در کشورهای اروپایی به چشم می خورد تظاهرات با شکوه چند ده و گاه چند صد هزار نفری در خیابان ها در دفاع از جنبش مقاومت فلسطین و علیه جنایات صهیونیست ها است که نه تنها به جنبش مقاومت فلسطین، بلکه به کلیه نیروهای ضد صهیونیستی، ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی نیرو می دهد.*

غرب ارزش محور (!!) کوچکترین عکس العملی در مقابل این جنایت هولناک اسرائیل از خود نشان نمی دهد، چه در این مورد و چه در مورد بمباران های مناطق مسکونی، مدارس، مساجد و بیمارستان ها. همانند جنگ های دیگر امپریالیستی نظیر افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و اوکراین دولت های فحیمه و رسانه های گوش به فرمانشان صرفا روایت های سراپا دروغ و همسان خود را در باره علل و ریشه های آغاز جنگ های مذکور به خورد مردم داده و می دهند. طبیعی است که جنگ اخیر جنبش مقاومت فلسطین با دولت اسرائیل نیز از این قانون مستثنی نیست. در این کارزار تبلیغاتی سراپا دروغ و تحریف دولت مردان و رسانه های گوش به فرمانشان را با واقعیات تلخی که طی ۷۵ سال گذشته بر خلق فلسطین گذشته است، کاری نیست. آنها چنین وانمود می کنند که حقیقت، انسانیت و دوستی تنها نزد ماست، تروریسم، دروغ و دشمنی با دموکراسی و آزادی نزد مخالفین ما.. آنها با تاسی به همین منطق ریا و تزویر نه تنها از ارتکاب هیچ جنایتی علیه بشریت رویگردان نیستند بلکه در کمال وقاحت آن را توجیه می کنند. با همین منطق «اسرائیل حق دفاع از خود» را دارد و کشورهای غربی نیز متکبرانه برای خود رسالت «دفاع از حقوق بشر و آزادی» و استقرار آن در کشورهای دیگر قائلند و به این بهانه چه تجاوزات خونینی که نکردند و چه جنایاتی که مرتکب نشدند. امروز نیز برای توجیه تجاوز و جنایات بعدی دو بهانه دارند **یکم**، پشتیبانی و کمک مالی و تسلیحاتی به «تروریست های» حماس از جانب جمهوری اسلامی ایران با هدف زمینه سازی تحریم ها و تجاوز احتمالی به ایران **دوم**، مقایسه حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل با جنایات نازی ها علیه یهودیان در جنگ دوم جهانی هر تسوگ رئیس جمهور اسرائیل در تاریخ ۱۹ اکتبر در این رابطه گفت: «از زمان هولوکاست هرگز در یک روز این تعداد یهودی به قتل نرسیدند» این مقایسه از نظر عددی شاید درست باشد ولی در اصل با این هدف مقایسه می شود که هر نوع کوشش جهت بیان تاریخ چرایی ایجاد مقاومت فلسطین (که در واقع ناشی از هولوکاست واقعی است که اسرائیل طی ۷۵ سال گذشته نسبت به فلسطینی از جمله حماس) روا داشته است را با برجسب «آنتی سمیتیسم» در نطفه خفه کنند. تا بتوان هر جنایتی را انجام داد، تا بتوان بمباران غزه جهت «نابود ساختن حماس» که تا کنون منجر به کشتار نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از ساکنین آن گشته است را به عنوان «خسارت جانی» توجیه کرد و به این ترتیب، نه تنها جنایات ۷۵ ساله خود را لاپوشانی کنند بلکه به سیاست پاکسازی قومی خود کماکان ادامه دهند و زمینه های تجاوز احتمالی به ایران، سوریه و عراق را نیز آماده سازند. سخنان فوق الذکر هر تسوگ کوشش رذیلاانه ای است برای اینکه جنبش مقاومت فلسطین، حزب الله لبنان، ایران، سوریه و... را یکجا مورد حمله قرار دهند. اولین عکس العمل همدستان آمریکایی و اروپایی صهیونیست های جنایتکار، به ویژه آلمان، قطع فوری کمک بع مردم محروم فلسطین و در عین حال پشتیبانی و کمک همه جانبه، حتی نظامی به اسرائیل بود. چرا؟ چون حماس برای اولین بار چند صد اسرائیلی را کشته و به اسارت گرفته است. اما اینکه دولت جعلی اسرائیل خلق فلسطین را از سال ۱۹۶۷ گروگان گرفته، صدها هزار تن از آنان را کشته، زخمی، زندانی و آواره ساخته به هیچوجه جنایت محسوب نمی شود بلکه پیوسته در دفاع از خود بوده است! دورویی، ریا، تزویر و مطامع سیری ناپذیر آنها مانع از آن است که به واقعیات کوچکترین اشاره ای کنند. از این رو آنها سفید را سیاه، و جنایت ۷۵ ساله اسرائیل را دفاع از خود ولی اولین حمله حماس به اسرائیل را جنایتی می نمایند که در خور ملامت، سرزنش، سرکوب و نابودی است. اینکه دولت اسرائیل از سال ۲۰۰۶ بیش از ۲ میلیون نفر از مردم فلسطین را با کشیدن دیوار دور زندان بزرگی بنام غزه عملا زندانی کرده و همه چیز را جیره بندی کرده و مرتبا بمباران می کند و هزاران نفر را می کشد، و یا در سوی دیگر صهیونیست های مسلح وحشی را در کرانه باختری رود اردن به جان فلسطینی های ساکن آنجا انداخته تا زمین، مسکن و دار و ندار آنها را به یغما برند و شهرک های خود را بنا کنند، برای

که به منطقه اعزام شده، همه و همه این مساله که سازمان حماس اقدام به کشتار کودکان و نوزدان اسرائیلی کرده اند را رد کردند و آن را کذب خواندند. حتی خبرنگار شبکه سی ان ان ابراز تاسف کرده و گفته که باید تحقیق بیشتری را قبل از انتشار خبر مذکور انجام می داده است. نکته جالب اینکه بر اساس همین دروغ، شاهد روانه شدن سیلی از اقدامات تبلیغاتی و روانی جریان های سیاسی و رسانه ای غربی علیه مقاومت فلسطین بوده ایم. با این حال، افشای این مساله، حداقل حامل چند پیام و نکته مهم است:

یکم اینکه، اذعان و اعتراف افرادی که دروغ مذکور را برای نخستین بار نشر دادند و البته تاکید برخی خبرنگاران اسرائیلی بر دروغ بودن این مساله، حاکی از این است که نیروهای فلسطینی مقاومت در میدان عمل، به صورت جدی و عملی، به اصول اخلاقی پایبند هستند و مثل صهیونیست ها در این رابطه نقش بازی نمی کنند. به بیان ساده تر، مقاومت فلسطین بار دیگر در میدان اخلاق، پیروز شد.

اگرچه در روزهای گذشته نیز شاهد انتشار تصاویر و ویدئوهایی از برخورد خوب و انسانی نیروهای مقاومت فلسطین با غیرنظامیان و کودکان ساکن در اراضی اشغالی بوده ایم و حتی برخی شهرک نشینان صهیونیست نیز به صراحت به این امر در قالب ویدئوها و مصاحبه های مختلف اذعان و اعتراف کرده اند. این در حالی است که رژیم صهیونیستی سال هاست در قالب حملات وحشیانه خود به نوار غزه و کرانه باختری، از هیچ جنایتی علیه زنان، کودکان و سالخوردهگان فلسطینی دریغ نمی کرد. کرد، بدتر از همه اینکه این روزها می بینیم و می شنویم که نیروهای افراطی صهیونیست به صراحت، کودکان بی دفاع فلسطینی را به بمب های ساعتی کوچکی تشبیه می کنند که جهان باید بابت نابود کردن آن ها از اسرائیل سپاسگزار باشد! موضع گیری های از این دست و البته تاریخچه کنش ها و اقدامات ضد انسانی صهیونیست ها نشان می دهد تا چه اندازه آن ها از استانداردهای اخلاقی و انسانی دور هستند و برعکس، مقاومت فلسطین تا چه اندازه به این استانداردها متعهد است.

دوم اینکه، مانور گسترده برخی جریان های رسانه ای و سیاسی راست افراطی صهیونیست با محوریت دروغ مذکور نشان می دهد که آن ها عملاً این دروغ را به مثابه دستاویزی برای خود جهت ارتکاب به جنایت علیه مردم غزه در نظر گرفته اند و سعی در سفیدشویی جنایات غیرانسانی خود علیه ملت فلسطین داشته اند. مساله ای که تا حد زیادی ناشی از موقعیت ضعیف اخلاقی و میدانی آن ها در برابر جریان نیروهای مقاومت جنبش فلسطین است. رژیم اشغالگر و تروریست اسرائیل سال ها نشانه های عینی یک رژیم کودک کش را از خود به نمایش گذاشته و حال نشان داده که حتی کودکان ساکن در اراضی اشغالی نیز برای آن ماهیتی ابزار دارند و با دروغ پردازی در مورد آن ها، به دنبال مشروعیت بخشی به کشتار کودکان و مردم بی دفاع غزه است. ننگشان باد!



دروغ ها و جعلیاتی که باید افشا شوند

سه دروغ جنایتکارانه در مورد فلسطین: «سربردن ۴۰ نوزاد!»، توحش نمایی و دروغ پراکنی برای مشروعیت دادن به جنایات؛ حربه اسرائیل برای ارتکاب جرائمی نظیر کشتار زنان و کودکان فلسطینی است!!

دستگاه دروغ پراکنی رسانه های مرتبط با مراکز زر و زور امپریالیستی دوباره به کار افتاده اند تا با خبرسازی های جعلی افکار عمومی جهان را برای بک جنابت فجع تر نسبت به گذشته در قبال فلسطینیان آماده نمایند.

ما سال گذشته با چنین حجم عظیمی از دروغ پراکنی و خبرسازی های جعلی و روایات نادرست و ساختگی در غائله «زن زندگی آزادی» روبرو بودیم و با این مکانیسم بسیار خوب آشنا هستیم. ایرانیانی که متأثر از این رسانه ها هستند، غالباً کسانی هستند که با کله دیگران فکر میکنند. خودشان کرکره بساط عقلانیت را پایین کشیده اند و تبدیل شده اند به مصرف کنندگانی بی اراده و ناپرسشگر و غالباً هم منابع خبری آنها رسانه هایی هستند که در غائله سال گذشته بیشترین سهم را در مسموم سازی افکار عمومی از آن خود کرده بودند

اما دلایل این جنگ خبری و چنین دروغ عجیبی چه بود؟

واقعیت این است تنها اندکی پس از اجرای موفقیت آمیز عملیات برق آسا و کوبنده «طوفان اقصی» که تلفات بی سابقه ای را به اشغالگران صهیونیست وارد کرد، یک دروغ عجیب و غریب با محوریت حضور نیروهای مقاومت در شهرک های صهیونیست نشین مجاور با نوار غزه مطرح شد. دروغی که از سوی یک خبرنگار با نام «نیکول زدک» مطرح و پس از آن، خبرنگار «شبکه سی ان ان» نیز به آن اشاره داشت و چه در قالب رسانه های تصویری خبری و چه شبکه های اجتماعی، به سمع و نظر میلیون ها انسان در اقصی نقاط جهان رسید. بر اساس این ادعای دروغین، نیروهای حماس اقدام به بریدن سر شماری از نوزادان و کودکان ساکن در شهرک های اراضی اشغالی کرده اند. جالب اینکه اندکی بعد، هم نیکول زدک، هم خبرنگار شبکه سی ان ان و هم «اورین زیو»، یک خبرنگار اسرائیلی

سکوت و بیطرفی در قبال قتل کودکان فلسطینی، همدستی با صهیونیست های کودک کش است



بمباران بربرمنشانه بیمارستان غزه «کار خودشان بود»!!

دراپتابایدگفت ؛ که ازسلطنت طلبان رنگارنگ ، تجزیه طلبان کردوترک و عرب ، ویرانی طلبان داخل و خارج ، انتقام طلبان گروه مریم رجوی ، غرب طلبان «اصلاح طلب» ، ذوب شدگان درولایت فقیه ، اسرائیل طلبان واسلام ستیزان چپ نمای «حکمتیست های» بی وطن ولشکری ازایرانیان خودفروخته واکثرجوانان بی اطلاع ازتاریخ معاصرومسوخ شدگان تبلیغات دروغین رسانه های براستی جهانی غرب ، ناپایدیچگونه انتظاروتوقعی داشت که مدافع مردم فلسطین درپیکاربااهرمیان زشتخوی فاشیست وژادپرست اسرائیل واربابش آمریکا ، باشند باینکه جهانیان عدالتخواه و باوجدان میدانندکه بمباران بیمارستان المعمدانی توسط هواپیمای اسرائیلی صورت گرفته ودرآن بیش از ۱۰۰۰ نفر از مردم مظلوم وبی دفاع قتل عام شدندواین عمل ددمنشانه وجدان جهانی پاک عالم رامجروح کردوروزنامه «وال اسریت ژورنال» هم گزارش دادکه حمله به بیمارستان المعمدانی توسط بمب هدایت شونده آمریکایی به وزن صورت گرفته است ، اما مدیران شبکه های مزدبگیر نان به نرخ روز خور داخلی نظیر ؛ خبرفوری ، اخبارمنتخب ، دیدار ، سلام ، عصرفوری ، منبیا ، مدارا ، بامدادنو ، اعتمادآنلاین و خبرگزاری بین المللی شفقنا ، این تیتربخبری یک شکل را از زبان نتانیاهومخبره کردند که «نتانیاهومدعی شده که بمباران المعمدانی کارگروه های فلسطینی بوده است» ؟!!! کدام مرجع وکدام شخص صاحب نفوذی دردرون ایران به مدیران(ادمین)های ده شبکه رسانه ای نامبرده فوق دستورداده که همگی وهمزمان این خبررابدون دخل وتصرف درانشاء آن ، مخبره کنند ؟! چه کسانی سیاستهای داخلی وخارجی رانماینده می کنند وحرول اول وآخر رامیزنند ؟ چنین به نظرمی آید که انگاربخشی ازحاکمیت مدافع فلسطین وبخشی دیگرمخالف فلسطین ومدافع اسرائیل وغرب اندوکسی وقدرتی هم جلودارشان نیست ! سرنوشت ملت ایران وسکان کشتی سیاست دست کدام گروه وجناح است که گاهی کج میروودوگاهی هم میج وبه نظرمی رسد که از «بادشرطه»

هم خبری نیست تا شاید یک باردیگر دیدار آشنایان را بازبینیم آدم نماهای پنهان وآشکار درحاکمیت جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران که به راحتی آب خوردن آدم میکشد ، دستگیر میکنندوبه بند میکشندوسرسوزنی هم به فکر معیشت دهه امیلیون ایرانی فقیر و تنگدست نیستند و مزد و مواجب های زیرخط فقری رابه ریال می پردازند و میحتاج حیاتی وعمومی مردم رابا قیمت دلار محاسبه وعرضه می کنند وسیاستهای اقتصادی راهزنان بانک جهانی وصندوق بین المللی رابراقتصاد معیشت مردم ایران تحمیل می کنند و از نظر سیاسی واقتصادی چندان تفاوتی با غرب استمارگر ندارند آیامیدانند که دارند چه بادی میکارند ؟! آدمی چقدر باید پست وفرومایه باشد که برای پول ، وجدان وشرف وآدمیت اش رابه حراج بگذارد وبگوید و بنویسد که بمباران بیمارستان المعمدانی کار فلسطینی ها بوده وبخشی از جوانان خشمگین ومتنفراز چهاردهه سیاستهای ضد ایرانی وضدانسانی جمهوری اسلامی ایران هم به سمت جبهه دشمن رانده شوند وهمصدا بادشمنان ملت ایران وفلسطین چنین خزعلاتی را تکرار وتبلیغ کنند و یکبار هم از خود نپرسند ، فلسطینیان که هیچگاه وهیچ زمان هواپیمایی قادر به حمل بمب ۹۵۰ کیلوگرمی باشند نبودند؟! و یابیک لحظه منطقی باشند وبگویند که این جنایت آشکار فقط از دست صهیونیستهای اسرائیلی و با کمک امپریالیسم آمریکا ، این دشمن شماره یک بشریت ، برمی آید که برای حمایت از اسرائیل با ۴۰۰۰ تفنگدار دریایی وبهمراه دوناوهواپیمابروکشتی های جنگی به دیدار نتانیا هو ، جلال فلسطینیان ، به اسرائیل رفته است ! اسرائیلی که از سال ۱۹۴۸ تاکنون بیش از ۸۰ درصد از سرزمین تاریخی فلسطین رابه عنف اشغال کرد و در این مدت بیش از ۵۰۰ روستا وشهر را کاملاً ویران نمود و حدود ۷۵۰۰۰۰ فلسطینی رادر عرض دوسال از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹ پاکسازی قومی کرد و بیش از ۵ میلیون نفر را آواره وطن نمود عملیات «طوفان الاقصی» رزمندگان فلسطینی در بامداد روز شنبه هفتم اکتبر سال ۲۰۲۳ ، که طی آن بیش از هزار اسرائیلی کشته و حدود دویست نفر اسیر گرفته شدند ، چنان غافلگیرانه وضربه گیج کننده ای برای صهیونیستهای اسرائیلی بود که سگان هار تل آویو نشین راهارتر کرد و با هواپیماهای جنگی ، موشکها ، توپخانه وانواع سلاح وتجهیزات نظامی برای سلاخی غیرنظامیان بی سلاح ، اعم از زن و کودک و پیر ، در زندان روابازی بنام غزه ، یورش بردند و کشتار کردند و کشتارشان هنوز هم ادامه دارد همه مبارزان فلسطینی که وارد خاک اشغال شده خود توسط اسرائیل شده بودند وبخشی به اندازه غزه رادراختیار گرفته بودند ، میدانستند که تاوان سنگینی پس خواهند داد . اما به گفته «برتولد برشت» بر آن شدند که ؛ «از زندگانی بد ، بیشتر از مرگ بترسند» ! وتصمیم گرفتند که اگر حق انتخاب یک زندگی آزادارند ، حداقل این آزادی رادارند که نحوه مرگ خویش را خود انتخاب کنند این عملیات متهورانه ودرعین حال پرهزینه که در تاریخ به ثبت رسید وافتخاری جاودانه نصیب رزمندگان راه آزادی واستقلال فلسطینی کرده است ، هشدار بود برای همه رژیم های مستبد و فاسد جهان وهمه جنگ افروزان وراهزنان دول استعمارگر غربی وهمه فاشیست ها وصهیونیست ها وهمه جانوران آدمخوار آدم نما ، تا این بیت شعر پرمعنی ومغز دار و هشدار دهنده استاد سخن سعدی را آویزه گوش خود گیرند که :
**«به روز مکره ایمن مشو ز خصم ضعیف
که مغز شیر بر آرد ، چودل ز جان برداشت»***



اطلاعیه حزب کارایران (توفان)

بمباران نوارغزه و کشتار بربرمنشانه مردم فلسطین را محکوم واز حملات قهرمانانه جنبش مقاومت فلسطین علیه متجاوزان صهیونیست حمایت می کنیم

یکم: با حملات قهرمانانه جنبش مقاومت فلسطین به متجاوزان صهیونیست و ضربات مرگبار برپیکر ارتش اسرائیل فصل نوینی درانقلاب رهایی بخش فلسطین آغاز شده است. حملات غافلگیرکننده فلسطینیها علیه متجاوزان اسرائیل نه تنها حکومت غیرقانونی و صهیونیست را درشوک فروبرد بلکه موجب واکنش حضیصانه متحدین آمریکایی و اروپایی اش درعرصه جهانی شد.

دوم: اکنون ارتش متجاوز اسرائیل برای روحیه بخشیدن به یهودیان وارداتی وافکارعمومی داخلی بمباران وحشیانه هوایی به غزه و مناطق مسکونی را آغاز کرد بیش از ۲۰۰ نفر را کشت و ۱۵۰۰ نفر را مجروح ساخت. این حملات بزدلانه ره به جایی نخواهد برد و با شکست روبرو خواهد شد. **سوم:** هم اکنون جنبش مقاومت فلسطین از سازمان حماس گرفته تا سایر گروه های اسلامی و مسیحی فلسطینی و جبهه خلق برای آزادی فلسطین که تحت رهبری یاران زنده یاد رفیق جرج حبش قرارداد چون تنی واحد درمقابل این بربریت صهیونیستی صف آرای کرده پرچم مقاومت را برافراشتند. شاخه های نظامی جنبش مقاومت فلسطین در حملات شب گذشته، مناطق مختلف صهیونیست نشین را در تیررس موشک های خود هدف قرار دادند. جنبش مقاومت فلسطین پس از سالها شکست و فرار و فرود و پراکنندگی اکنون با عزمی پولادین و متحد، با روحیه واعتماد بنفسی بالا به مبارزه درخشان

خود علیه متجاوزان صهیونیست برای رهایی ملی گام کیفی برداشته اند. **چهارم:** بمباران های بربرمنشانه و فاشیستی نوار غزه در چند شب اخیر ادامه کشتار و تجاوزی است که بیش از هفتاد سال ادامه دارد. این آدمکشی اسرائیل بار دیگر نشان می دهد که اسرائیل هرگز هوادار حتا دولت کوچک مستقل فلسطینی نیست و در پی آن است که همه سرزمین فلسطین را درسته به بعد، مردم را کشتار کند، بی خانمان نماید، بناراند، تبعید کند و باقیمانده را در جامعه یهودی حل نماید. این ایدئولوژی دولت اسرائیل است، ایدئولوژی صهیونیستی، نژادپرستانه و فاشیستی که راهنمای عمل اوست. طرح صلح کذایی دولت کوچک فلسطینی دود شد و به هوا رفت دیگر محلی از اعراب ندارد. حزب کار ایران (توفان) بمباران صهیونیست ها به نوار غزه و کشتار مردم فلسطین را قویاً محکوم می کند و این جنایت را ضدبشری می داند و معتقد است مسئولین آنرا باید در یک دادگاه خلقی جهانی به محاکمه کشید. حزب کار ایران (توفان) از اعتراضات نیروهای مترقی جهان علیه بمباران مردم فلسطین حمایت می کند و همگان را فرامی خواند حملات افسارگسیخته و ضدبشری صهیونیست ها را محکوم و از مبارزه قهرمانانه ملت فلسطین برای رهایی ملی دفاع و ابراز همبستگی نمایند.*

نابودباد نظام صهیونیستی اسرائیل، این چماق دست امپریالیسم آمریکا در منطقه!
زنده باد همبستگی بین المللی با ملت فلسطین!

حزب کار ایران (توفان)
۱۸ اکتبر ۲۰۲۳

۱۱ تو نباید خدایان دیگر را سجده کنی ، زیرا که من خداوند تو هستم . خدایی غیرتمند و حسودم که انتقام گناه پدران را از پسران آنها تاپشت سوم و چهارم می گیرم" براساس تعالیم وقوانین تورات ، قوم یهود قوم «برتر و برگزیده» هستند و لذا منافع ومصالح قوم یهود ، ازهرراهی که باشد باید حفظ گردد حتی اگر مسائل انسانی و اخلاقی و حقوق ملت های دیگر نادیده گرفته شود بی جهت نیست که «گلدامایر» ، نخست وزیر وقت اسرائیل درسال ۱۹۶۹ اظهارداشت : «چیزی بنام ملت فلسطین وجود خارجی ندارد و هیچ وقت نداشته است.» ویا «موشه دایان» وزیر دفاع وقت اسرائیل گفته بود : «اسرائیل باید مثل سنگ دیوانه و خطرناک عمل کند» و «یوآوگالات» ، وزیر جنگ حال حاضر میگوید : «جنگ ماعلیه جانوران انسان نما خواهد بود» ازسال ۲۰۰۶ که یک سرباز اسرائیلی ربوده شد ، نوار و یا باریکه غزه به طول ۴۱ متر و عرض بین ۶ تا ۱۲ کیلومتر ، از طریق زمین ، دریا و هوا به محاصره صهیونیست های غاصب درآمد نوار غزه ۳۶۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که از شمال و شرق با اسرائیل و از جنوب با رژیم سرسپرده مصر هم مرز است . از طرف غرب هم به دریای مدیترانه وصل است که به حکم دولت اسرائیل هرگونه ورود و خروج کشتی ها به منطقه غزه ازراه دریاممنوع می باشد ۷۵ سال از تشکیل «کشوری» بنام اسرائیل توسط امپریالیسم قدرتمند انگلیس در اوآخردهه چهل میلادی میگذرد .

اسرائیل در تمام این سالها و تا به امروز هرگز دارای مرز مشترک و مشخصی نبوده و به کمک آمریکا و انگلیس همواره با کشورهای عربی برای گسترش زمین های غصبی خود در جنگ بوده است مانند جنگ ۱۹۴۸ ، جنگ ۱۹۵۶ ، جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ ، جنگ یوم کیپور سال ۱۹۷۳ و جنگ ۳۳ روزه با لبنان و ده ها و صدها مورد تجاوز و جنایات دیگر نظیر کشتار «دیر یاسین» ، «کفر قاسم» ، «صبرا و شتیلا» که هیچگاه از حافظه تاریخی مردم فلسطین و انسان های آزادیخواه جهان پاک نخواهد شد

مابراین نظریه که مبارزه با صهیونیسم مترادف با یهودستیزی نیست ، بلکه مبارزه با یک ایدئولوژی ناسیونال فاشیستی نژادپرست یهود است که ماهیتا هیچ تفاوتی با «نازیسم» ندارد . و این صهیونیست های نژادپرست آمریکایی و انگلیسی و گردانندگان و حاکمان رژیم پادگانی اسرائیل اند که «جانوران انسان نما» هستند زیرا که در درنده خویی همان چهره و همان سیرت فاشیست های آدم نمای هیتلری رادارند *

مرگ بر صهیونیست های کودک کش!



چه کسانی «جانوران انسان نما» هستند ، فلسطینیان یا صهیونیست های اسرائیلی ؟

۱۱ هر کس شمشیر خود را بر ران خود بگذارد و برادر و دوست خویش و همسایه خود را بکشد . تو را ت ، سفرِ خر و ج ، با ب ۳ ۲

۱۱ اسرائیل کاتر» ، وزیر انرژی رژیم نژادپرست و صهیونیستی اسرائیل ، با گستاخی تمام میگوید : «برق غزه وصل نخواهد شد ، شیر آب باز نخواهد شد و هیچ کامیون سوختی به غزه راه نخواهد یافت کسی هم به ما درس اخلاق ندهد در تاریخ معاصر جهان ، سابقه ندارد که رژیمی هراندازه فاشیست و آدمکش ، در چشم جهانیان زل بزند و با سخنانی چنین گستاخانه و ضد انسانی خواهان نابودی و نسل کشی بیش از دویست میلیون از مردمان سرزمینی بنام غزه باشد این وحشیگری ها و این پاکسازی قومی اخیر در غزه که از سال ۱۹۴۸ شروع شده است ، براساس «کنوانسیون ژنو» ، یک جنایت جنگی محسوب میشود . سرچشمه و بانیان چنین رفتار فاشیستی از جانب حاکمان و اشغالگران «کشور» صهیونیستی اسرائیل ، در درجه اول ، جنگ افروزان و راهزنان بین المللی غرب ، در راس همه آنها امپریالیسم آمریکا است که علاوه بر کمک های مالی چندین میلیارد دلاری سالانه ، ارتش متجاوز اسرائیل را با انواع بمب های اتمی و سنگر شکن ، هواپیماهای جنگی ، سلاح های فشرقی و اقسام موشک ها و غیره مجهز می نمایند در درجه دوم داشتن اعتقاد به تعالیم و فرامین ضد انسانی مندرج در «تورات» است که در «سفر خروج ، باب بیستم» آمده : «یَهُوه خدای قهار و غیرتمند و حسود» ، (به سبک و سیاق تمام مذاهب سامی) ، علنا به قوم خود میگوید :

نشخوار می‌کنند و دست دراز شده آنها در نهضت‌های استقلال‌طلبانه و انقلابی‌اند. این گروه‌ها تئوری‌های صهیونیستی منصور حکمت (ژوبین رازانی) بنیانگذار «حزب کمونیست کارگری ایران» که نه کمونیست است، نه کارگری و نه ایرانی نظریات ضد کمونیستی و نواستعماری را بازتاب داده و مبارزه‌ای را که در سرزمین فلسطین در گرفته است، مبارزه بین «دو قطب ارتجاع جهانی» جا می‌زنند. هدف آنها در ماهیت و در عمل حمایت از اسرائیل است. هدف آنها تکفیر جنبش مقاومت مردم فلسطین در مقابل اسرائیل است. هدف آنها حفظ وضع موجود است تا سرزمین‌های فلسطینی همانطور که هست در اشغال صهیونیست‌ها باقی بماند و مردم فلسطین در جامعه اسرائیل حل شود. هدف آنها تضعیف حمایت بین‌المللی از جنبش مردم فلسطین است، جنبشی که امروز چه به‌خواهیم یا نخواهیم سازمان فلسطینی اسلامی حماس را نماینده مشروع، منتخب و قانونی خود می‌داند. هدف آنها جنگیدن در جبهه جنگ روانی صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها برای خلع سلاح روحی نیروهای مترقی در زیر شعارهای کاذب و ارتجاعی با لفاظی «انقلابی» است. آنها بیشتر حملاتشان تنها علیه حماس است و جنایات اسرائیل و بمباران نوار غزه و گرسنگی دادن به مردم فلسطین و تحریم اقتصادی را عملاً تأیید می‌کنند. آنها از حق دفاع صهیونیست‌ها و امنیت آنها بی‌شمارانه دفاع می‌کنند. این بی‌شماران حتا بمباران بیمارستان غزه را روشن و شفاف محکوم نکردند و با موضعی دوپهلوی که به‌قبای غرب برنخورد اظهار نظر کردند، مستقیم و غیر مستقیم همان دروغهای اسرائیل را تکرار می‌کنند. این بی‌شماران عملیات متهورانه طوفان‌القصی سازمان حماس را محکوم و آن را با داعش و اعمال بربرمنشانه این جریان آدم‌خوار تعریف می‌کنند.

«جبهه سوم» این جریان‌ات عیج و جق و خودفروخته، یک جبهه موهومی است، وجود خارجی ندارد. در نتیجه در جنگ و تجاوز و کشتاری که در جریان است، بی‌طرفند، به هر دو طرف نه می‌گویند، هیچ طرف جنگ عادلانه نیست، مقاومت ملت فلسطین هم عادلانه نیست، زیرا، رهبری آن در دست سازمان فلسطینی اسلامی حماس است حتا اگر این سازمان منتخب ملتی باشد که تحت اشغال قرار دارد..... این جریان‌ات به‌لحاظ ذهنی و روانی سالم نیستند، آلودگی شدیدی به تئوریهایی ترسکیستی منصور حکمتی دارند و نقش مخرب و خائنانه‌ای علیه خلقهای جهان و جنبش‌های آزادیبخش ایفا می‌کنند.

همانطور که بارها تحلیل کرده‌ایم مبارزه خلق فلسطین علیه صهیونیسم و اشغالگران تروریست است و نه علیه یهودیت و مردم یهودی. فلسطینی و یهودی و مسیحی، عرب و کمونیست و مسلمان و غیرمسلمان همه در یک صف مقابل نظام صهیونیستی برای یک سرزمین و نظام واحد ملی بزرگ فلسطینی که حقوق همه مردم این کشور را تأمین کند و تساوی حقوق همه آحاد ملت و اقوام و مذاهب را به رسمیت بشناسد، می‌رزمنند. بیش از ۱۹ سازمان و حزب و جبهه فلسطینی از کمونیست‌ها گرفته تا اسلامی و مسیحی برای یک فلسطین واحد علیه دشمن مشترک می‌جنگند و اکنون سازمان حماس بزرگترین سازمان مبارز فلسطینی است که خواب را از چشم صهیونیست‌ها ربوده و هدفمند تمام سرزمین اشغالی تحت سیطره استعمارگران صهیونیست را بدرستی نا امن کرده است. این ناامنی و تزلزل در پیکر دشمن خونریز و بی‌رحم و تروریست، پیش زمینه پیروزیهای است که راه را برای نبردنهایی و نابودی صهیونیسم و استعمار هموار خواهد کرد. چپ لیبرال وطنی که بدنبال دولت مینی فلسطینی است تا از شر این داستان خلاص شود متحد «اسرائیل سکولار» در مقابل خلق فلسطینی قرار می‌گیرد که رهبری‌اش در دست سازمان حماس است. یا در جبهه مقاومت ملی فلسطین علیه متجاوزان صهیونیست یا در کنار صهیونیست‌های اشغالگر علیه فلسطینیان. شق سومی وجود ندارد.*



جنگ آزادیبخش ملی فلسطین، جنگی تدافعی و عادلانه است

تئوری «جنگ دو قطب ارتجاع»، دفاع از صهیونیسم است

سرزمین فلسطین بیش از هفتاد و پنج سال تحت اشغال صهیونیست‌هاست. صهیونیسم ایدئولوژی یهودیان افراطی است.

یعنی اشغالگری، تبعیض، کشتار مردم فلسطین، یعنی کودک‌کشی، یعنی تحریم آبی و زمینی و هوایی فلسطینی‌ها در زندان غزه، یعنی تاراندن میلیون‌ها فلسطینی از سرزمین مادریشان..... در یک کلام یعنی فاشیسم عربیان مقاومت ملت فلسطین در مقابل این اشغال‌گری، این وحشیگری و فاشیسم، مقاومتی مشروع و عادلانه است. توسل به قهر برای بیرون ریختن متجاوزین از خاک کشور بنا بر منشور سازمان ملل متحد امری مشروع و تدافعی محسوب شده است. آنها که با صغر کبرا کردن برای رد گم کردن و دفاع از نظام صهیونیستی، «جنگ را از دو طرف غیر عادلانه» ارزیابی می‌کنند، بطوریکه نه سیخ بسوزد و نه کباب! بی‌شمارانه عملاً از نظام صهیونیستی و «بزرگترین دمکراسی خاورمیانه» حمایت می‌کنند.

این را هر انسان بیدار وجدان و شریفی دانسته است که در مورد جنایتکاری صهیونیست‌ها همه نیروهای مترقی جهان هم‌نظرند. در مورد تبهکاری آنها کودک‌کشی‌های آنها و ریاکاری‌های آنها که سرزمین یک ملتی را طلبکارانه و بی‌شمارانه اشغال کرده‌اند و در پی نسل‌کشی در فلسطین هستند، همه نیروهای مترقی و انسان‌دوست هم‌نظرند. در مورد همدستی امپریالیست‌های آمریکا و اروپا و استرالیا و کانادا و... همه این مدعیان کذاب حمایت از حقوق بشر، در پشتیبانی بی‌پرو برگرد از جنایات اسرائیل، همه انسانهای صمیمی و روشن بین اتفاق نظر دارند. در مورد اینکه ملت فلسطین حق دفاع از خود و دفاع از سرزمین اباة اجدادیش را دارد، همه انسانها متفق‌القولند، در مورد اینکه صهیونیست‌ها باید گور خود را از منطقه گم کنند و بروند به کشورهایی که در آن ساکن بوده‌اند، همه مردم جهان مترقی هم‌نظرند. در مورد اینکه هولوکاست نازی‌ها در مورد یهودیان را نمی‌شود در تاریخ با دست صهیونیست‌های نازی تکرار کرد، همه نیروهای مترقی همدانستند. فلسطین سرزمین لیبلا خالدهاست و نه سرزمین گلدامایر و آریل شارون‌ها. در مورد اینکه اخبار انحصارات فکری امپریالیستی دروغ بخش می‌کنند و سیاه را سفید جلوه می‌دهند و از تجاوزکار جنایتکار، مظلوم می‌سازند و از مورد ظلم و تعدی، جنایتکار علم می‌کنند، همه نفرت دارند و حالت تهوع نسبت به این مدعیان دروغگوی «آزادی افکار و بیان» در خود احساس می‌کنند. اما هستند گروه‌هایی در جهان که از آخور امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها

و فقر، حاشیه نشینی و وابستگی را گسترش می دهند محکوم می کنیم، به مبارزه مردان و زنان آزاده در کشور برادر مراکش درود می فرستیم.

چهارم: ما، توده های مردم در سراسر منطقه عربی و مغرب را فرا می خوانیم که به خیابان ها و میادین سرازیر شوند و با ابراز حمایت از فلسطین و رد نشست ننگینی که در مراکش برگزار می شود صدای خود را رساتر به جهانیان برسانند.

پنجم: ما، از همه نیروهای آزادی خواه جهان می خواهیم که فعالانه با انواع تحریم رژیم صهیونیستی و افشای جنایات آن و آنکه صهیونیسم یک نظریه و عمل نژادپرستانه فاشیستی است و همچنین تقبیح مواضع دولت های حامی آن همبستگی خود را با ملت فلسطین نشان دهند.

افتخار بر مقاومت و پیروزی ملت فلسطین!
نابود باد معامله و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی اشغالگر!

- ۱- حزب کارگران - تونس
- ۲- حزب راه دموکراتیک کارگران مراکش - النهج
- ۳- جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین
- ۴- حزب کمونیست لبنان
- ۵- حزب دموکراتیک خلق اردن (حشد)
- ۶- حزب وحدت دموکراتیک مردمی اردن
- ۷- جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- ۸- جنبش "ما می توانیم" - موریتانی
- ۹- گروه مدافعان حقوق بشر صحرای - صحرای غربی
- ۱۰- حزب کمونیست سودان
- ۱۱- حزب مردم فلسطین
- ۱۲- حزب القطب - تونس
- ۱۳- حزب ملی دموکراتیک متحد - تونس
- ۱۴- حزب اتحاد مردمی سوسیالیست - مصر
- ۱۵- جنبش مترقی کویت
- ۱۶- حزب کمونیست اردن

ترجمه و تکثیر از حزب کارایران (توفان)

20 مهرماه 1402

www.toufan.org

زنده باد جنبش مقاومت خلق فلسطین! نابود باد نظام فاشیستی صهیونیستی اسرائیل!*



بیانیه مشترک احزاب و سازمان های انقلابی و کمونیست در آفریقا و آسیا در همبستگی و حمایت از جنبش مقاومت فلسطین

ما احزاب و تشکل های زیر این بیانیه را صادر می کنیم:

یکم: ما، به حماسه قهرمانانه مقاومت فلسطین در چارچوب عملیات **طوفان الاقصی** که معادله درگیری با دشمن را از وضعیت دفاعی به وضعیت تعرضی تغییر داد، درود می فرستیم و به آن افتخار می کنیم.

دوم: ما، در برابر وحدت صفوف مقاومت و اتحاد ملت فلسطین در همه مناطق سر تعظیم فرود می آوریم و باور داریم که مقاومت در همه اشکال آن به ویژه مبارزه مسلحانه کوتاه ترین راه برای آزادی فلسطین از دست صهیونیست های نژادپرست است.

سوم: ما، حمایت بی قید و شرط برهبری امپریالیسم آمریکا از اسرائیل غاصب را محکوم می کنیم. ما همچنین سکوت و همدستی رژیم های دست نشانده عربی را که کاملاً در تضاد با خواست های مردمی است محکوم می کنیم. این دست نشانندگان چاره ای غیر از پیروی از ارباب ندارند. چونکه راه مقاومت و مبارزه فلسطین برای آزادی رژیم های مطیع، ظالم و فاسد را جارو می کند.

در شرایطی که ماشین تخریب صهیونیستی، مردم بی گناه را در غزه، کرانه باختری، و قدس (اورشلیم) درو می کند، رژیم مراکش میزبان نشست صندوق بین المللی پول و بانک جهانی با حضور رژیم صهیونیستی است. این نشست در تضادی آشکار با خواست مردم مراکش و فلسطین و همه منطقه قرار دارد در حالی که ما تجمع دزدانی را که بر جهان حکومت می کنند

اسنادی تکان دهنده از مسموم سازی زمین های فلسطینی

اسناد آزاد شده از آرشیو دولتی اسرائیل نشان می دهند که در سالهای ۱۹۷۰ دولت صهیونیستی زمین های فلسطین در کناره غربی رود اردن را برای ساخت شهرک های یهودی نشین مسموم کرده است . روزنامه ها آرتص جزئیات مسموم سازی زمین های فلسطینی را افشا کرده است و نشان می دهد که اسرائیل تا کجا پیش رفته تا بصورت زجر آوری سرزمین مردم فلسطین را تصاحب کند . آرشیو دولتی اسرائیل بیش از یک میلیون سند را برای دسترسی عمومی آزاد کرده است . این اسناد بعضی از اقدامات وحشیانه دولت اسرائیل را به نمایش می گذارند .

در اسناد اخیرا منتشر شده ، تمام مراحل پایه گذاری یکی از شهرک های یهودی نشین در کناره غربی رود اردن فهرست وار ذکر شده اند . طبق گزارش ها آرتص ، اولین قدم برای سلب ملکیت دهکده ها و زمینهای فلسطین در اطراف شهرک ها به بهانه ساختگی ایجاد منطقه نظامی صورت گرفت . زمانی که فلسطینی ها با اصرار به کشت زمین هایشان ادامه می دادند و مسائل کار آنها را خراب می کردند . سپس به سربازان اسرائیل دستور داده می شد که با خودروهای خود محصولات آنها را نابود کنند . زمانی که این عملیات موفقیت آمیز نبود اسرائیلی ها راه حل پاشیدن مواد سمی بر روی زمینها را انتخاب کردند . این مواد سمی برای حیوانات کشنده و برای انسان ها بسیار مضر بود .

جزئیات در اسناد منتشر شده ، پرده از اشغال و مستعمره سازی شهرک های فلسطینی ، برای مثال عقربا ، بر می دارد . عقربا شهرکی است با حدود چهار و نیم کیلومتر مسافت از حواره در شمال کرانه غربی . حواره اخیرا مورد حمله آبادی نشین های اسرائیلی قرار گرفته است . همانطور که در حواره شاهد بودیم شهرک نشینهای غیر قانونی و دولت اسرائیل دست در دست هم این اقدامات را به پیش می برند . مسموم سازی محصولات فلسطینی در اطراف عقربا در سال ۱۹۷۲ عمل گروه های خودسر نبود بلکه چند نهاد دولتی اسرائیل در این برنامه دست داشتند .

مسموم سازی زمینهای فلسطین در دوره نخست وزیری گلدا مایر صورت گرفت . گلدا مایر ، بر خلاف دست راستی هائی مانند ناتانیاو و ایتامار بین گویر و بزلال اسموتیش ، نخست وزیری دست چپی در نظر گرفته می شد . این اسناد نشان می دهند زمانی که مسئله تصاحب زمینهای فلسطین و سلب مالکیت از ساکنان بومی باشد فرق چندانی بین سیاستمداران اسرائیلی صرف نظر از اینکه به کدام جناح وابسته باشند وجود ندارد . گلدامایر زمانی که اسرائیل به بهانه ساخت " پارک ملی " محله های مسلمان و مسیحی نشین را ضمیمه خود کرد نخست وزیر بود .

پروژه جدید مرکز تایوب (Taub) در نیویورک برای مطالعات اسرائیل از جزئیات مسموم سازی سرزمین های فلسطینی پس از گذشت ۵۱ سال پرده برداری کرده است .

گفته می شود که این پروژه در نظر دارد تمام اطلاعات تاریخی موجود در مورد شهرک های یهودی نشین را فهرست سازی کند . برای اولین بار هزاران پرونده محرمانه که در آرشیو دولتی اسرائیل پنهان بودند اکنون در دسترس عموم قرار گرفته اند . این اسناد بر روی یکی از مهم ترین عملیات ضد فلسطینی نور افکنی می کند . از نظر حقوق بین الملل ، تمام شهرک سازی های اسرائیل غیر قانونی اند .

هفته گذشته ، اسناد اخیرا آزاد شده از تلاش شبه نظامیان اسرائیلی برای جذب و کمک گیری از نازی های آلمان در مبارزه با مقامات قیومت بریتانیا در فلسطین پرده برداشت . *



هولوکاست واقعی اینجا در غزه است

ماجرای هولوکاست به کل فرآیند کشتار یهودیان گفته می شود که در فاصله سال های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ اتفاق افتاده و فقط اتاق های گاز و کوره های آدم سوزی نیست بلکه تیرباران جمعی ، مرگ بر اثر قحطی و مرگ در مسیر سخت رسیدن به اردوگاه های کار اجباری را هم شامل می شود هولوکاست فلسطین از ۱۹۴۸ آغاز شد امروز در غزه به اوج خود رسیده و شاهدش هستیم . قطع برق و آب و غذا و پرتاب بمب های ویرانگر بر فراز غزه برسر مردم غیرنظامی از بیمارستان گرفته تا کتابخانه ، مدرسه و دانشگاه و کودکستان و تاراندن آنها از سرزمین مادری ... قتل عام و اعدام ملتی است که تحت اشغال یک حکومت نژاد پرست و فاشیست قرار دارد و هرروز برای رهایی اش جان می دهد . امروز هولوکاست واقعی در غزه است و ارتش اسرائیل همان نقش ضد بشری را ایفا می کند که ارتش نازی در سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ علیه یهودیان ایفا کرده است .

در سال ۱۹۴۲ در جلسه وانزه که در ویلایی در حومه برلین برگزار شد ، سران حزب نازی در باره «راه حل نهایی برای مساله یهود» تصمیم گرفتند که منظورشان کشتار جمعی و سیستماتیک یهودیان بود .

امروز نتانیاو در جلسه محرمانه ای با تائید رئیس جمهور علیل و جنایتکار آمریکا ، جو بایدن تصمیم گرفته است که تنها راه حل نهایی کشتار جمعی و سیستماتیک مردم غزه است تا از شر «مردم مسلمان غزه» خلاص شوند ، تصمیمی که با شکست مفتضحانه ای روبرو خواهد شد .

مردم غزه هرگز تسلیم متجاوزین نمی شوند ، تا آخرین قطره خون مقاومت خواهند کرد و پوزه سگان هار نازی را بر زمین خواهند کوبید و جزاین نیز نخواهد بود . *

قوای متجاوز و اشغالگر صهیونیست طبق حقوق بین الملل «حق دفاع از خود ندارد»

در حالیکه اکثریت کشورها و ملت‌های جهان، بویژه مردم آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، سوئد، بارسلون در اسپانیا، مصر، اردن و لبنان و حتی مردم اسرائیل با تجمعات و اعتراضات خود قتل عام کودکان و غیرنظامیان فلسطینی توسط صهیونیست‌های یهودی و مسیحی (نه یهودیان و مسیحیان غیر صهیونیست) را شدیداً محکوم و ابراز انزجار می‌کنند، سران دول قدرتمند امپریالیستی به دروغ و از سر ترس افکار و اعتراضات عمومی و خشم جوامع بشری، برای مردم بی‌دفاع غزه اشک تمساح می‌ریزند و از طرفی بی‌شرمانه و با وقاحت هر چه تمامتر از «حق اسرائیل برای دفاع از خود» سخن می‌گویند؟! در حالی که یک قوای اشغالگر که با زور سرزمین خلقی را به تصرف خود در آورد طبق قانون سازمان ملل متحد حق دفاع از خود در مقابل مردم تحت اشغال را که علیه الحاق استعمار طغیان کرده‌اند، ندارد.

امپریالیست‌های غربی چون خود ابله و احمق‌اند و فقط زبان دروغ و زور را می‌فهمند و برای حفظ سود و سرمایه‌شان سر سوزنی رحم و انسانیت در ذات‌شان وجود ندارد، جهانیان و انسان‌های آزادخواه و عدالت‌طلب را «ابله» فرض کرده و تجاوز ۷۵ ساله اسرائیل به سرزمین‌های فلسطین و کشتار و آواره کردن میلیون‌ها مردم فلسطین را «دفاع از خود و حق اسرائیل» می‌دانند تو گویی که این اسرائیل است که در این سال‌های نکبت، همواره مورد تهاجم فلسطینی‌ها بوده و سرزمین نداشت و موهومی آنها توسط عرب‌ها، فلسطینی‌ها و یا سازمان آزادیبخش فلسطین و یا حماس و جهاد اسلامی و حزب‌الله لبنان غضب شده و میلیون‌ها اسرائیلی را آواره و بی‌خانمان کرده‌اند تا حق دفاع از خود در مقابل تجاوز و تمامیت ارضی خویش داشته باشند؟!!

به‌این‌گونه حمایت و جانبداری از تجاوز و ستمگری نامی بجز شارلاتانیسم و شیادی نمی‌توان نهاد! در این کارزار و در این جنگ نابرابر بین امپریالیست‌ها و صهیونیست‌های مجهز به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها از یک طرف، با باریکه باقیمانده از سرزمین فلسطین بنام «نوارغزه» مجهز به سنگ و فلاخن و راکت‌های دیوار سوراخ‌کن و تفنگ بدست از طرف دیگر، علیرغم کشتار صهیونیست‌های آدم‌نما عیان است که «مغلوب فاتح میدان است»^{۱۱}

می‌گویند در دعوا کسی برنده است که ضربه اول را وارد نماید و ضربه اول را رزمندگان جان برکف غزه در هفتم اکتبر چنان به صهیونیست‌های اسرائیلی وارد کردند که نه تنها هنوز، بلکه تا سال‌های طولانی و حتی در تاریخ، کشور پادگانی و بدون مرز اسرائیل را، گنج و منگ و آبروباخته و در پیش جهانیان مفتضح نمود و نشان داد که اسرائیل مانند «خانه عنکبوت»، سُست و ناپایدار است! و اگر چنانچه فقط حزب‌الله لبنان مستقیماً وارد جنگ شود، کار عزرائیل، زار خواهد شد!

بی‌جهت نیست که جو بایدن و ریشی سوناک دلچک و دیگران به دیدار اسرائیل شتافتند که ترس ما با دو ناو هواپیمابر و کشتی‌های جنگی و چند هزار تفنگدار و دولتمردان اتحادیه اروپا ساپورت خواهیم کرد. لابد همان‌گونه که اوکراین را در مقابل روسیه ساپورت کردند؟! در حوادث اخیر غزه دو موضع‌گیری از جانب دو جریان سیاسی، یکی مضحک و مسخره و دیگری مایه تعجب و تاسف رخ می‌نمایند. اولی‌ها مجموعه‌ای از سازمان‌های به اصطلاح چپ و واداده و لیبرال مسلک و ضد کمونیست «اکثریتی‌ها» به همراه ترسکیست‌های معروف به «حکمتیست‌ها» در جبهه «راه کارگر»، اقلیت و در «حزب کمونیست» کارگری اسرائیلی و در حزب «کمونیست» کومله و غیره را تشکیل می‌دهند که همواره بین دوسندلی نشسته و هر دو طرف جنگ را ارتجاعی و هر دو طرف جنگ را تروریست می‌دانند! اینان علی‌الاصول هر جنگی را که یک طرف آن امپریالیسم آمریکا و یا اسرائیل در تجاوز و تجزیه علیه کشور ثالث باشد، در دفاع موزیانه از متجاوز، آن جنگ را جنگ بین امپریالیست‌ها یا جنگ دو ارتجاع و یا جنگ بین تروریست‌ها ارزیابی می‌کنند! این جماعت فریبکار و در نمان حامی امپریالیست‌های غربی و صهیونیست‌های اسرائیلی بخوبی می‌دانند که در تاریخ معاصر هیچ کشوری به آمریکا و اسرائیل حمله نظامی نکرده است و این دو کشور همواره تجاوزگر بوده‌اند و علی‌الاصول باید متجاوز را محکوم کرد. اما چنین کاری نمی‌کنند و با تزه‌های من در آوردی و به ظاهر چپ، «اسلام» و هر دینی را که پدیده‌های تاریخی و اجتماعی است و همانند آداب و رسوم و اخلاقیات در گذر زمان و طی قرون متمادی پدید آمده‌اند و از این رو تنها با گذر زمان و تجربه شخصی خود توده مردم است که به مرور و با رشد و تکامل جامعه ضعیف و به‌خواب می‌رود، قابل تغییرند. مذهب را هرگز نمی‌توان با یک فرمان سیاسی و اراده‌گرایانه محو و نابود کرد. چنین برخوردهای آنارشستی با پدیده مذهب نه تنها آن را ضعیف نمی‌کند بلکه آن را تقویت نیز می‌کند و توده مردم را در مقابل چنین سیاستی قرار می‌دهد.

دومی‌ها اکثریت قابل توجه ایرانیان متولد بعد از انقلاب در داخل کشور هستند که اگر چه تحت تاثیر غرب‌گرایان و یا کانال‌های مزدبگیر ایرانی خارج از کشور، خصوصاً بی‌بی‌سی که شعبه‌ای از ام‌ای‌سیکس انگلستان و اسرائیل اینترناشنال هستند اما فاقد رهبری و غیر متشکل و بی‌سازمانند و بدلیل خشم و نفرت به‌حق که از رژیم دروغ‌پرداز و فاسد اسلامی ایران دارند، بدون تفکر و اندیشیدن و از سرخشم با هر گونه سیاست داخلی و خارجی هیئت حاکمه اسلامی ایران، چشم بسته مخالفت می‌کنند و لذا علناً و به‌بهانه اینک رژیم اسلامی ایران پول مردم ایران را صرف حماس و حزب‌الله لبنان و جاهای دیگر می‌کند، خواهان نابودی ایران و همه فلسطینیان نوارغزه و مدافع قتل عام اسرائیل در غزه و طرفدار سفت و سخت اوکراین و خواهان شکست روسیه و حتی حمله نظامی به ایران می‌باشند! در چنین شرایط بغرنجی چاره‌ای نیست جز با صبر و حوصله به روشنگری در میان مردم به‌پردازیم تا مردم نیز با تجربه شخصی خود به تناقضات سیاست‌های داخلی و خارجی ایران پی‌برند. مردم حق دارند از حقوق خود علیه خودسری‌ها و سرکوبگری‌ها و سیاست‌های خانمانبرانداز اقتصادی حکومت که موجب نارضایتی عمیقی در جامعه شده است پیکار کنند و برای تغییرات اجتماعی با اتکا به نیروی خویش گام بردارند. اما تحت هیچ شرایطی دفاع از امپریالیسم و استعمار قابل توجیه نیست باید با چنین افکار خطرناکی مبارزه کرد. راه دیگری متصور نیست.*

«وحشتناک است که بینی شهروندان بی‌گناه کشته شده و گروگان گرفته می‌شوند و هیچ عدالتی وجود ندارد. ما برای سلامتی آنها و سلامتی انسان‌های بی‌گناهی که در غزه محاصره شده‌اند و بمباران می‌شوند، دعا می‌کنیم.»

کریم بنزما کریم بنزما بازیکن فرانسوی الجزایری الاصل تیم الاتحاد عربستان سعودی در واکنش به حملات اسرائیلی‌ها به غزه در صفحه خود در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «تمام دعای ما برای ساکنان غزه است که بار دیگر قربانی این بمباران‌های ناعادلانه شده‌اند که هیچ زن و کودکی از آن در امان نیست»

محمد صلاح محمد صلاح، ستاره ۳۱ ساله و مسلمان تیم فوتبال لیورپول هم حمایت خود را از مردم فلسطین در غزه با کمک نقدی به هلال‌احمر مصر جهت ارائه به فلسطینیان نشان داد و در پیامی ویدئویی گفت: «کشتارها باید متوقف شوند. خانواده‌ها از هم پاشیده‌اند و اکنون کمک‌های بشردوستانه باید فوری وارد غزه شوند. مردم آنجا در شرایط خیلی بدی هستند. صحنه‌های بیمارستان غزه بسیار وحشتناک بود. مردم غزه به غذا، آب و تجهیزات پزشکی نیاز فوری دارند. من از رهبران جهان می‌خواهم که برای جلوگیری از کشتار بیشتر افراد بی‌گناه دور هم جمع شوند. انسانیت باید پیروز شود»

محمد الننی محمد الننی، بازیکن تیم ملی مصر و هافبک تیم فوتبال آرسنال نیز با تغییر تصویر پروفایل اینستاگرام خود به پرچم فلسطین حمایت خود را این‌طور نشان داد.

جان کیوسک جان کیوسک، بازیگر، تهیه‌کننده و نویسنده آمریکایی در توئیتر و در واکنش به جنایت‌های اسرائیل در غزه نوشت: «ما باید فلسطین را از یک اشغال وحشیانه آزاد کنیم. مردم نگران عزیزان خود در یک منطقه جهنمی هستند، بدون غذا، آب و برق سرگردان شده‌اند. نگرانی عمیق من برای مردمی است، که به آنها گفته می‌شود منطقه را ترک کنند و سپس بمباران می‌شوند. آنها (اسرائیل) این کار را انجام می‌دهند.»

جسیکا میشل چستین جسیکا میشل چستین، بازیگر و تهیه‌کننده آمریکایی است. او علاوه بر امضای نامه سرگشاده به جو بایدن برای توقف جنگ در غزه پست ملاله یوسف‌زی را در حمایت از کودکان فلسطینی ری‌توییت کرد و نوشت: «جنگ از هیچ کودکی دریغ نمی‌کند.» چستین همچنین در پست دیگری، ناراحتی خود را از نیویورک تایمز و واشنگتن پست، به دلیل عدم پوشش کافی فجایع در فلسطین ابراز کرد.*



دفاع چهره‌های معروف دنیا از خلق فلسطین

اتفاقات این روزهای فلسطین، دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. چهره‌های مشهور دنیای ورزش، سینما و رسانه می‌دانند که عمدتاً رسانه‌های جریان اصلی در حال تحریف یا سانسور واقعیت‌های امروز فلسطین هستند و می‌توان از طریق شبکه اجتماعی نسبت به آن چیزی که در حال رخ دادن است، واکنش نشان داد. در گزارشی در روزنامه «فرهیختگان» به واکنش برخی از چهره‌های مشهور، به جنگ غزه پرداخت که در زیر تعدادی از آنها را می‌خوانید:

جی جی حدید

جی جی حدید، مدل فلسطینی تبار از جمله چهره‌هایی است که با انتشار بیانیه‌ای نسبت به حملات روزهای گذشته اسرائیل به فلسطین واکنش نشان داد. حدید گفت که احساس «همدردی و اندوه عمیقی» نسبت به مردمش دارد که تحت «اشغال» زندگی می‌کنند. جی جی حدید در توئیتر و اینستاگرامش نوشت: «ذهن من مشغول همه کسانی است که این فاجعه غیرقابل توجیه را تجربه کرده‌اند. هر کودک، زن و مرد بی‌گناهی که جان‌ش در این درگیری گرفته شده است. من احساس همدردی عمیقی با مردم فلسطینی دارم که زیر سایه اشغال زندگی می‌کنند، این وظیفه‌ای است که هر روز آن را احساس می‌کنم»

مارک روفالو مارک روفالو، بازیگر کاراکتر هالک در سینمای مارول، با انتشار یک توئیت از فلسطین حمایت کرده. این بازیگر نسبت به رنج و تلفات جانی در فلسطین ابراز نگرانی کرده و خواستار پایان دادن به خشونت شده. روفالو در پست خود به وحشتی که هنگام تماشای آنچه بین حماس و دولت اسرائیل اتفاق افتاده و تجربه‌اش کرده، اشاره کرد و نوشت:

همکاری جنایتکارانه امپریالیست های غربی و اسرائیل

در اثر بمباران وحشیانه بیمارستان الاهلی صدها تن جان باختند

مسئولیت یورش‌های انهدامی اسرائیل علیه فلسطین به گردن ارباب بزرگ امپریالیسم آمریکاست. سردمداران پنتاگون دو روز پیش اعلام داشتند که در پاسخ به برخوردهای روزافزون بین اسرائیل و حماس، ارتش ایالات متحده آمریکا دو هزار تن از سربازان خود را به حالت آماده باش در آورده است و در بمباران بیمارستانی از سوی اسرائیل در غزه هزار نفر کشته شده‌اند. همچنین گفته شده است که نزدیک به ۱۲۰۰ تن از جمله ۵۰۰ تن از کودکان زیر آوار مانده‌اند. اینها از جمله اخباری هستند که در روزنامه‌ها و آژانس‌های خبری تاریخ ۱۷ اکتبر به چشم می‌خورند. دولت اسرائیل دزد دریائی خاورمیانه است. سردسته نگهبانان این رژیم امپریالیسم آمریکاست که سیاست‌های مشابه آن را در سطح جهانی اجرا می‌کند و در صحنه بین‌المللی علاوه بر دوره آماده‌سازی جنگ‌های جدید سرسلاخ سیاست بی‌معنی «صلح بورژوائی» است. از آنجا که هم اکنون بزرگترین نیروی اقتصادی - مالی و نظامی جهانی است آمریکا برای حفظ موقعیت خود به‌عنوان نیروی عمده در برخوردهای برتری‌طلبانه در سراسر جهان در رقابت با چین و روسیه، با یدک‌کشی سیاست همکاری‌های ارتجاعی با کلیه امپریالیست‌های غربی، سیاست‌های تجاوزکارانه و چپاولگرانه خود را زیر پوشش دروغ «حفظ صلح و ارزشهای دموکراتیک» عرضه می‌کند در برابر واقعیت توسعه سریع چین و روسیه به‌عنوان نیروی هسته‌ای، باز در شرایط موجود با یدک‌کشی امپریالیست‌های غربی، به‌عنوان پشتیبان نیروهای وحشی فاشیستی و با توحش بی‌حد و مرز، آمریکا دشمن اصلی خلق‌های جهان بشمار می‌آید. آنطور که در تیکه کاغذی که به دست بایدن داده شده و وی حتی از تکرار آن عاجز می‌باشد، او نیروی «خواهان صلح و طرفدار صلح» نیست. موضعگیری وی در برابر جنگ اسرائیل - فلسطین سند روشن این ادعاست.

هیئت حاکمه اسرائیل به مثابه پایگاه و ژاندارم راهزن امپریالیسم در خاورمیانه، این مزیت را نیز داراست که با سیاست‌های عینی و انفعالانه مشخص سران کشورهای همجوار همچون ترکیه، عربستان و مصر روبرو نمی‌باشد. آشکار است که محکوم کردن‌های ریاکارانه هیچ تأثیری ندارد. ماندگاری سیستم امپریالیست‌های غربی و سرمایه‌های مالی و انحصاری غربی در آسیای صغیر و آفریقا و نیروهای تشکیل دهنده چپاول منابع کشورهای این منطقه، علاوه بر آنکه شریک سیاست‌های قتل‌عام فلسطینی‌ها می‌شوند، خلق‌های کشورهای منطقه را نیز به درون چمبر آتش می‌اندازند.

هیئت‌های حاکمه صهیونیستی اسرائیل که از سوی امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا - انگلستان پشتیبانی و حمایت می‌شوند، از سال ۱۹۴۸ با اجرای سیاست سرکوب و به تسلیم در آوردن خلق فلسطین را دنبال کردند و آنجائی نیز که موفق به پیش راندن این سیاست نبودند در صدد انهدام کامل بودند. در حالی که فلسطینی‌ها به دنبال اعمال سیاست شهرک‌سازی صهیونیستی از

سرزمین‌های خود تبعید می‌شوند و کودکان، زنان و سالخوردگانی که در مقابل این سیاست مقاومت می‌کنند به قتل می‌رسند، رهبران دیکتاتوری‌های سرمایه‌داری که به نام «دموکراسی‌های» غربی عرضه می‌گردند، در پشت سر اسرائیل صف می‌بندند و با تکرار قصه‌های از قبیل «حق دفاع خویش در مقابل تروریست‌های دینی» به ریختن بمب بر سر فلسطینی‌ها نیرو می‌بخشد. امپریالیست‌های غربی شریک جرم جنگ انهدام فلسطین با بمب‌های ناپالم، گلوله‌های تانک و توپ، راکت و پشتیبانی هواپیماهای جنگی می‌باشند. آمریکا که از آسیای پاسیفیک تا بالکان‌ها، آفریقای شمالی و قفقاز همه جا سیاست‌های مالی اقتصادی و نظامی دنبال می‌کند مسئول اصلی این سیاست‌های قتل‌عام است. در حالی که تخریب و انهدام مستمر است، همراه با اربابان سیاسی - نظامی آمریکا هیئت‌های حاکمه انگلستان و آلمان نیز در کنار نیروهای نتانیاهاو قرار گرفته‌اند. در اجرای سیاست تخریب غزه و کشتار دستجمعی فلسطینی‌ها بیش از آنچه در مقابل روسیه در اوکراین قرار گرفتند با وضع برهنه‌تری در کنار هیئت فرماندهی مقر بمباران‌ها جای می‌گیرند. هیئت حاکمه آلمان جدا از این که چه مدت به طول خواهد انجامید، اکنون به مثابه فعالترین نماینده سبزه‌های سازمان سیا، در موقعیت نیروی یدکی سیاست جهانی آمریکا قرار گرفته است. سیاستی که امپریالیست‌های غربی دنبال می‌کنند، در کنار پشتیبانی از حکومت نتانیاهاو، «اتحاد نیروها» علیه ایران، روسیه و چین را نیز آشکار می‌کند که تا پایان «دوره اقدام متحد» که به دلیل رقابت و درگیری محکوم به تغییر است، ادامه خواهد داشت.

سران امپریالیست غربی که عهده‌دار نقش دزدان دریایی اصلی امپریالیست‌های آمریکایی-انگلیسی هستند، از کشتادن مردم منطقه به دریای خون برای سد کردن تحولات احتمالی در برابر سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای تردید ندارند. شگفت‌آور نخواهد بود اگر آمریکا و اسرائیل با پشتیبانی قدرت‌های غربی جهت دستیابی به مواضع جدید علیه ایران و روسیه سیاست جنگی کنونی را دنبال کنند. اعزاز ناوهای جنگی هسته‌ای به منطقه که به معنای تقویت هدف قرار دادن ایران و محاصره روسیه است و تقویت اسرائیل و اوکراین با موشک‌های کلاهک هسته‌ای از جمله شاخص‌های تشدید سیاست‌های نظامی علیه مردم است.

نیاز است که کارگران و زحمتکشان همه کشورها مبارزات خود را علیه این سیاست‌های جنگی، اشغالگری و ویرانی افزایش دهند. مشکل «جنگ بین بربرها و مردم متمدن» آنطور که سنگر گرفته‌ها در برج‌های بربریت امپریالیستی سرمایه‌داری می‌خواهند نشان دهند نیست، بلکه مشکل بر سر اتحاد جهت پایان دادن ریشه‌ای به ویرانی و تخریبی حاصل سیستم استثماری سرمایه‌داری می‌باشد که با جان و خون مردم تغذیه می‌کند و مشکل در پیشبرد این مبارزه است.

بدون مبارزه‌ای که اقشار پیشرفته پرولتاریا و کارگران، روشنفکران انقلابی مترقی، احزاب و سازمان‌های سوسیالیست و انقلابی با وحدت قدرت و عمل خود با وجود شرایط سخت و سنگینی که با آن مواجه هستند، مسئول پیشبرد آن می‌باشند، موجودیت این نظام خونخوار و جانی ادامه خواهد یافت و امروز فلسطین و زمانی دیگر خلقی دیگر تلاش خواهد شد که با سلاح‌های کشتار جمعی و تهدید به انهدام وادار به تسلیم گردند. نظاره‌گر بودن به معنی تنهائی در بزن‌گاه است.

ترجمه از روزنامه اورنسل به قلم جهان سویلو

پنجشنبه ۱۹ اکتبر ۲۳*



بیانیه مشترک اتحادیه‌های کارگری فلسطینی:

به همه همدستی‌ها پایان دهید، تسلیح اسرائیل را متوقف کنید!

ما این فراخوان را در حالی می‌دهیم که شاهد تلاش‌هایی برای ممنوعیت و خاموش کردن همه اشکال همبستگی با مردم فلسطین می‌باشیم. ما از شما می‌خواهیم همانگونه که اتحادیه‌های کارگری در طول تاریخ انجام داده اند، در برابر بی‌عدالتی صدایتان را بلند کنید.

ما این فراخوان را با این باور طرح می‌کنیم که مبارزه برای عدالت و آزادی فلسطین، نه تنها یک مبارزه متعین منطقه‌ای و جهانی است، بلکه امری است برای آزادی تمام افراد محروم و استثمار شده در جهان.

وضعیت اضطراری و نسل‌کشی، تنها با افزایش همبستگی جهانی با مردم فلسطین قابل پیشگیری است. امری که می‌تواند ماشین جنگی اسرائیل را مهار کند.

ما به شما در هر جای دنیا که هستید نیاز داریم که برای جلوگیری از تسلیح دولت اسرائیل و شرکت‌های درگیر در زیرساخت‌های محاصره، فوری اقدام بکنید.

اتحادیه‌های کارگری فلسطینی با صدور یک فراخوان جهانی برای اقدام فوری، از کارگران در همه جا می‌خواهند تا فروش و تأمین مالی اسلحه به اسرائیل و تحقیقات نظامی مرتبط با آن را متوقف کنند.

اسرائیل از ۱.۱ میلیون فلسطینی خواسته است که نیمه شمالی غزه را تخلیه کنند و در همین حال آنها را در معرض بمباران مداوم قرار می‌دهد.

این اقدام بی‌رحمانه، بخشی از نقشه اسرائیل با حمایت ترلز

ناپذیر و مشارکت فعال آمریکا و اکثر کشورهای اروپایی، برای پیشبرد قتل عام بی‌سابقه و شنیع ۲.۳ میلیون فلسطینی در غزه و پاکسازی قومی آن می‌باشد.

اسرائیل از روز شنبه غزه را به شدت بمباران کرده و سوخت، برق، آب، غذا و تجهیزات پزشکی را بر روی آنها قطع کرده است. اسرائیل بیش از ۲۷۰۰ فلسطینی از جمله ۶۱۴ کودک را به قتل رسانده و تمام محله‌ها را با خاک یکسان نموده، خانواده‌ها را نابود و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر را زخمی کرده است.

برخی از کارشناسان حقوق بین‌الملل نسبت به اقدامات نسل‌کشی اسرائیل هشدار داده اند.

دولت راست افراطی اسرائیل در برخی نقاط دیگر بیش از ۱۰۰۰۰ تنگ بین شهرک‌نشینان افراطی در فلسطین ۴۸ و کرانه باختری اشغالی توزیع کرده است تا حملات و کشتار آنها علیه فلسطینیان را تسهیل نماید.

اقدامات اسرائیل، قتل عام و لفاظی آنها، قصد اسرائیل در اجرای نکت دوم که مدتهاست وعده‌اش را داده است، اخراج هر چه بیشتر فلسطینی‌ها و ایجاد "خاورمیانه جدیدی" که در آن فلسطینی‌ها در انقیاد دائمی زندگی کنند را آشکار می‌سازد. پاسخ دولت‌های غربی، حمایت‌های کامل از حکومت اسرائیل بوده است، و آنها حتی بدون هیچ توجهی به قوانین بین‌المللی. امری که مصونیت اسرائیل را تشدید کرده و به آن اجازه می‌دهد تا جنگ نسل‌کشی خود را بدون هیچ محدودیتی به پیش ببرد. کشورهای غربی علاوه بر حمایت دیپلماتیک، به اسرائیل تسلیحات داده و فعالیت شرکت‌های اسلحه‌سازی آن را در درون مرزهای خود، تأیید می‌نمایند.

همزمان با این که اسرائیل کارزار نظامی خود را تشدید می‌کند، اتحادیه‌های کارگری فلسطینی از هم‌تایان خود در سطح بین‌المللی و همه افراد با وجدان می‌خواهند که به همه‌گونه همدستی با جنایات اسرائیل پایان دهند - فوری‌ترین آن متوقف ساختن تجارت تسلیحاتی با اسرائیل، و همچنین توقف کلیه کمک‌های مالی و تحقیقات نظامی می‌باشد. اکنون زمان

اقدام است - زندگی فلسطینی‌ها در مخاطره است.

این وضعیت اضطراری و نسل‌کشی، تنها با افزایش همبستگی جهانی با مردم فلسطین قابل پیشگیری است. امری که می‌تواند ماشین جنگی اسرائیل را مهار کند.

ما به شما در هر جای دنیا که هستید نیاز داریم که برای جلوگیری از تسلیح دولت اسرائیل و شرکت‌های درگیر در زیرساخت‌های محاصره، فوری اقدام بکنید. ما از نمونه بسیج‌های عمومی پیشین اتحادیه‌های کارگری در ایتالیا، آفریقای جنوبی و ایالات متحده و بسیج‌های عمومی بین‌المللی مشابه علیه تهاجم ایتالیا به اتیوپی در دهه ۱۹۳۰، دیکتاتوری فاشیستی در شیلی در دهه ۱۹۷۰ و بسیج‌های عمومی در مناطق دیگر الهام می‌گیریم که در آنها همبستگی جهانی، دامنه وسعت وحشیگری استعماری را محدود نمود.

ما اتحادیه‌های صنایع مربوطه را به اقدامات ذیل دعوت می‌کنیم:

۱- امتناع از ساخت سلاح به مقصد اسرائیل،

۲- امتناع از حمل سلاح به اسرائیل،

۳- تصویب طرح‌هایی در این خصوص در اتحادیه صنفی خود،

۴- اقدام علیه شرکت‌های همدستی که در اجرای محاصره وحشیانه و غیرقانونی اسرائیل دخیل هستند، به خصوص

اگر با موسسه شما قرارداد داشته باشند،

۵- فشار بر دولت‌ها برای توقف کلیه تجارت نظامی با اسرائیل، و در مورد ایالات متحده نیز توقف تأمین مالی آنها،

ما این فراخوان را در حالی می‌دهیم که شاهد تلاش‌هایی برای ممنوعیت و خاموش کردن همه اشکال همبستگی با مردم فلسطین می‌باشیم.

ما از شما می‌خواهیم همانگونه که اتحادیه‌های کارگری در طول تاریخ انجام داده‌اند، در برابر بی‌عدالتی صدایتان را بلند کنید. ما این فراخوان را با این باور طرح می‌کنیم که مبارزه برای عدالت و آزادی فلسطین، نه تنها یک مبارزه متعین منطقه‌ای و جهانی است، بلکه اهرمی است برای آزادی تمام افراد محروم و استثمار شده در جهان.

**فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری فلسطین،
غزه:**

اتحادیه عمومی کارگران خدمات عمومی و صنفی
اتحادیه عمومی کارگران شهرداری

اتحادیه عمومی کارگران مهد کودک

اتحادیه عمومی کارگران پتروشیمی

اتحادیه عمومی کارگران کشاورزی

اتحادیه کمیته‌های زنان فلسطین

فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری فلسطینی (PGFTU)

اتحادیه عمومی معلمان فلسطینی

اتحادیه عمومی زنان فلسطینی

اتحادیه عمومی مهندسان فلسطین

انجمن حسابداران فلسطینی

فدراسیون انجمن‌های حرفه‌ای:

انجمن دندانپزشکی فلسطین - مرکز اورشلیم

انجمن داروسازان فلسطین - مرکز اورشلیم

انجمن پزشکی - مرکز اورشلیم

انجمن مهندسين - مرکز اورشلیم

انجمن مهندسين کشاورزی - مرکز بیت المقدس

سندیکای دامپزشکان - مرکز اورشلیم

سندیکای روزنامه‌نگاران فلسطینی

کانون وکلای فلسطین

انجمن پرستاری و مامایی فلسطین

اتحادیه کارگران مهد کودک

اتحادیه کارگران خدمات پستی فلسطین

فدراسیون اتحادیه‌های اساتید و کارمندان دانشگاه‌های فلسطین

فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری مستقل فلسطین

فدراسیون جدید اتحادیه‌های کارگری فلسطین

اتحادیه عمومی نویسندگان فلسطین

اتحادیه پیمانکاران فلسطینی

فدراسیون سندیکاهای متخصصان بهداشت

اتحادیه روانشناسان و مددکاران اجتماعی فلسطین

۱۶ اکتبر ۲۰۲۳

منبع: Progressive Internationa

برگردان: پروین اشرفی*

زنده باد جنبش رهائیبخش خلق فلسطین



تظاهرات میلیونی در سراسر جهان در همبستگی با خلق فلسطین و محکومیت اسرائیل

در روزهای اخیر تظاهرات و تجمعات عظیمی در همبستگی با مردم غزه در سراسر جهان برگزار شد. از آمستردام هلند گرفته تا ده‌ها هزار نفر در شهرهای لاهور و اسلام‌آباد پاکستان، پاریس، لندن، قاهره، استکهلم، اوسلو، نیویورک، استانبول، برلن، بروکسل، بغداد، کپنهاگ، سیدنی... برای اعلام حمایت از خلق فلسطین به خیابان‌ها آمدند. تظاهرات مراکشی‌ها در حمایت از مردم غزه و فلسطین نیز میلیونی بود. این در حالی است که با وجود عادی‌سازی روابط برخی حکومت‌های عربی با رژیم اشغالگر اسرائیل، اما ملت‌های عربی مانند مراکش با حضور میلیونی خود در خیابان پشت فلسطین ایستاده‌اند. همچنین تظاهرات گسترده در شهر بلفاست ایرلند شمالی برای همبستگی با فلسطین و غزه و محکومیت حملات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی برگزار شد. در الجزایر نیز مردم این کشور در حمایت از غزه و محکومیت حملات اشغالگران دست به تظاهرات زدند. تظاهرات بسیار بزرگی در استانبول ترکیه در حمایت از غزه نیز برگزار شد. در مالزی نیز برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلفی از سوی مردم در حمایت از فلسطین و مردم غزه تدارک دیده شده است و حمایت طرفداران تیم ملی مالزی از فلسطین در جریان بازی مقابل هند بسیار دیدنی بود. تظاهرات حمایت از غزه در شهر نووی ساد صربستان هم برگزار شد و صربستانی‌ها خواستار حمایت جهانی از مردم فلسطین شدند. راهپیمایی گسترده در سیدنی هم در حمایت از مردم غزه و محکومیت جنایات علیه مردم این باریکه پرشور برگزار شد. کانادایی‌ها نیز در حمایت از مردم فلسطین تظاهرات برگزار کردند. در تصاویر منتشر شده از این تظاهرات، شهروند کانادایی به یک خبرنگار غربی می‌گوید: «حماس تروریست

نیست و همه اعمال آن قابل توجیه است. حماس کودکان را نمی‌کشد اما شما می‌کشید.» تجمع همبستگی با مردم غزه و فلسطین در شهر شیکاگو آمریکا نیز برپا شد. در سوئیس نیز دومین روز حمایت از مردم غزه ادامه یافت و شهروندان در تظاهراتی که تا پس از غروب ادامه داشت، از میدان Place de Neuve ژنو به سمت دفتر مرکزی رادیو و تلویزیون سوئیس RTS حرکت و با تجمع بزرگی در برابر این مرکز و سر دادن شعارهای متفاوت مانند «همه ما فلسطینی هستیم» و «زنده باد فلسطین» به همدست بودن این سازمان با تل‌آویو اعتراض کردند. اعتراض اردنی‌ها به جنایات اشغالگران در غزه برای چندمین روز پیایی ادامه یافت و مردم اردن شعار دادند: «همه ما حماسی هستیم» در دانشگاه هاروارد آمریکا نیز در حمایت از فلسطین تجمع بزرگی برگزار شد. در آلمان هم برای چندمین روز تظاهرات حامیان فلسطین با برخورد وحشیانه پلیس روبه‌رو شد. در استکهلم پایتخت سوئد نیز تظاهرات بزرگی در حمایت از فلسطین برگزار شد... این حمایت‌ها و همبستگی با مردم فلسطین ادامه دارد و بر انزوای حکومت آدم‌کش و کودک‌کش اسرائیل می‌افزاید در شهرهای مختلف بریتانیا از جمله بلفاست، کاردیف، بیرمنگام و لندن مجموعاً بیش از ۳۰۰ هزار تن به خیابان‌ها آمده با مردم غزه ابراز همبستگی نموده و تجاوزات رژیم صهیونیستی به مردم بی‌دفاع را محکوم کردند و خواهان فوری آتش‌بس و قطع فوری بمباران وحشیانه غزه شدند. همزمان با تو قطعنامه پیشنهادی روسیه برای آتش‌بس توسط آمریکا، گروهایی از یهودیان ضد صهیونیست ساکن آمریکا با تحصن در کنگره آمریکا خواهان آتش‌بس فوری شدند و حکومت متجاوز اسرائیل را محکوم کردند. این تظاهراتها همچنان ادامه دارد بر انزوای حکومت فاشیستی اسرائیل و در عین حال بر همبستگی با مردم فلسطین و گستردگی‌اش در سراسر جهان افزوده می‌شود که یادآور جنبش ضد جنگ ویتنام است.

زنده باد همبستگی با نبرد عادلانه خلق فلسطین برای رهایی ملی!*

بارها تحلیل کرده‌ایم هر شخصیت و یا نیروی مخالف جمهوری اسلامی الزاما مترقی و انقلابی نیست و نمی‌تواند مورد حمایت ما باشد.

مبارزه برای کسب حقوق دمکراتیک و آزادیهای اجتماعی و سیاسی اگر با مبارزه علیه تحریم‌های اقتصادی و سیاست‌های مداخله جویانه امپریالیستی و صهیونیستی پیوند نخورد، پیشیزی ارزش ندارد، نمی‌تواند مورد حمایت حزب ما قرار گیرد.

مدتی از اعطا جایزه نوبل به نرگس محمدی نگذشت که عملیات طوفان‌القصی و ضربات مهلک بر پیکر رژیم کودکش و صهیونیستی و از طرفی بمباران وحشیانه غزه توسط ارتش متجاوز اسرائیل موجی از اعتراضات علیه کشتار و سعیت و بیرحمی که یادآور ارتش نازی است، برانگیخت. بطوریکه بسیاری از هنرمندان، ورزشکاران، روشنفکران و حتی برخی از برندگان سابق جایزه نوبل واکنش نشان دادند و با محکومیت اسرائیل با مردم غزه ابراز همبستگی نمودند.

در چنین شرایطی که در هر ۵ دقیقه یک انسان در غزه توسط صهیونیست‌های جنایتکار اسرائیلی اعدام می‌شود و میلیونها مردم صلحدوست در سراسرجهان از خلق فلسطین به دفاع برخاسته‌اند، سکوت معنی دار نرگس محمدی و دوستش شیرین عبادی در قبال این کشتار و توحش که مغایر با همه موازین بین‌المللی است، پرسش برانگیز است و شکی باقی نمی‌گذارد که هر دو این خانمها که جایزه نوبل را یدک می‌کشند موافق نقض حقوق ملت فلسطین و پایمال شدن حقوق بشر در غزه هستند و خود را در جبهه صهیونیستها و امپریالیست‌های غربی علیه ایران تعریف می‌کنند.

این برندگان جایزه نوبل وجدانشان را فروخته‌اند و طبعاً بسیاری چیزها می‌توانند در مقابل این خودفروشی بخزند از جمله پست و مقام و معروفیت.... اما خودشان دیگر مفت نمی‌ارزند و قطره‌ای برای بشریت مترقی ارزش ندارند. سکوت و بیطرفی در قبال قتل عام کودکان فلسطینی همدستی با جلادان صهیونیست‌های کودکش است.

مسئله فلسطین امروز معیار و سنجش خوبی برای شناخت از مدعیان ترقی، بشردوستی و حقوق بشرخواهی است. کلیه جریاناتی که نظاره‌گر کشتار مردم غزه هستند و به بهانه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی اعلام بیطرفی و یا سکوت کرده‌اند چه بخواهند چه نخواهند، چه بدانند یا ندانند در جبهه ارتجاع جهانی قرار دارند و جز این نیست. *



چرا خفقان گرفته‌اید؟

خانم نرگس محمدی، برنده جایزه صلح نوبل سالهاست از مسیر مبارزه علیه تحریم‌های اقتصادی و مداخلات امپریالیستی خارج شده و از همین رو به‌عنوان یکی از زنان و چهره‌های فعال در همگامی با دول اروپایی و آمریکایی برای انجام انقلاب مخملی در ایران عمل می‌کند.

جایزه صلح نوبل به آنگ‌سان سوچی، نماینده امپریالیسم غرب در میانمار و آلس بیالیاتسکی در بلاروس، فعال انقلاب مخملی و نرگس محمدی در یک صف و با یک هدف مشخص سیاسی و ژئوپلیتیک تعریف می‌شوند.

امسال جایزه صلح نوبل هدمند به نرگس محمدی به‌دلیل حمایتش از تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران و سیاست مداخله جویانه «بشردوستانه» و تحریک برای براندازی حکومت جمهوری اسلامی و استقرار نظامی مورد حمایت دول غربی، قرار گرفت. این جایزه برای گرم نگاه داشتن تنور ضدانقلاب «زن زندگی آزادی» و تشویق مردم و به خیابان کشاندن آنها و برانداختن رژیم در نزعی که در عرصه جهانی در نظم در حال گذار در گرفته است، قابل تبیین است و هیچ ربطی به حقوق زنان ایران و فقر و اختلاف طبقاتی ناشی از نئولیبرالیسم در ایران ندارد. این جایزه اهرم فشاری برای چنین اهدافی در ایران است.



باز هم ارتش جنگ هیبریدی به صف شدند

چند نکته در مورد بلوای اخیر

یکم: سال گذشته رادیو زمانه، ایران وایر، ایران اینترناشنال، منو تو و بی بی سی فارسی اولین رسانه‌هایی بودند که خبر جانباختن مهسا امینی را منتشر کرده و همراه با یک کارزار جهانی تحت رهبری امپریالیست‌های اروپایی و آمریکایی بر طبل تشدید تحریم‌های اقتصادی، بستن سفارتخانه‌های ایران، مداخله نظامی و براندازی رژیم اسلامی کوبیدند. از هنرپیشه‌های هالیوودی گرفته تا سیاستمداران دست راستی و نئوفاشیستی و احزاب خودفروخته سیاسی همه به میدان آمدند تا کار رژیم را با شعار پوپولیستی و تجزیه‌طلبانه «زن زندگی آزادی» یکسره کنند. اپوزیسیون راست و ارتجاعی ایران نیز پرچم ورشکسته همه باهم را برافراشته و گردهمایی ۵۰ هزار نفره در برلن را به‌عنوان نقطه عطفی برای یک اتحاد بزرگ در خارج از کشور به نمایش گذاشتند. اما این جنگ هیبریدی سازمان یافته جهانی از سوی نظم در حال افول غرب با تمام سازوکارش با شکست روبرو شد و امید آنها نیز برای احیای آن در سالگرد «انقلاب ژینا» و با بی‌اعتنایی مردم به یاس مرگ بدل گشت.

دوم: اکنون اما بلافاصله بعد از انتشار خبر مترو تهران توسط رسانه‌های فارسی زبان و بازداشت مریم لطفی خبرنگار شرق مجدداً ارتش جنگ هیبریدی به میدان آمدند تا «جنبش زن زندگی آزادی» دیگری برپا سازند. الگو برداری از تحولات سال گذشته و برجسته کردن عناصر معلول‌حال تجزیه‌طلب که نقش مهمی در فضای رسانه‌ای داشتند، در روزهای اخیر هم در حال فضا سازی در سایت «هه نگاه» کردی و سازمان حقوق بشری هستند و با طرح مسخره کرمانشاهی خواندن خانواده آرمیتا گراوند به دنبال اهداف ارتجاعی خود می‌باشند.

سوم: آنچه در ایران جریان دارد از تشدید تضادهای حاکمیت و گردش به شرقش گرفته تا تحولات منطقه‌ای، حتا در عرصه ورزشی و بلوهای ظاهراً فوتبالی مسابقه سپاهان و تیم عربستانی (ال اتحاد) اینها همه در کادر نزاع بین‌المللی از جنگ روسیه با ناتو تا تحولات شاخ افریقا بر سر گذار به نظم جدید جهانی قابل تبیین است.

چهارم: هیاهوی اخیر و از هوش رفتن دختر نو جوان در مترو تهران، آرمینا گراوند که سرانجام پس از بیست و هشت روز در کما در گذشت و سواستفاده از قانون ارتجاعی حجاب اجباری و حضور گشت کلاخ سیاه‌های ارشاد اسلامی در جامعه هیچ ربطی به حقوق بشر و احترام به حقوق زنان ایران ندارد. تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی به متحد غرب بدل نشود و در نزاع بین‌المللی از اتحاد با روسیه و چین دست نکشد، آرامش نخواهند گذاشت.

پنجم: پس از تحولات سال گذشته که بر سر حجاب اجباری و گشت ارشاد آغازیدن کرد این انتظار می‌رفت که حاکمیت دست به عقب نشینی بزند و به بخشی از مطالبات مردم پاسخ گوید. لیکن ترس از عقب‌نشینی برای حفظ اقتدار خود و پس از تنفسی موقت مجدداً برای ارباب زنان به جلو خیز برداشت، طرح لایه حجاب و عفاف و جرمه‌های سنگین «بدحجابان» را ارائه کرد که تاکنون جز تنش در جامعه و سردرگمی در خود حاکمیت حاصلی نداشته است. رژیم درمانده به پاسخ به این مسئله اجتماعی و تناقضات موجود و از طرفی نافرمانی مدنی زنان و گسترش بی‌حجابی در جامعه و بر ناپیدن ارباب و سرکوب، خود را در بن‌بست و محاصره می‌بیند.

طبعاً در چنین شرایطی هر اتفاق کوچک روزمره اجتماعی نیز می‌تواند به بلوای بزرگی در جامعه بدل شود و مهمترین مسائل معیشتی مردم به ویژه کارگران را به حاشیه براند. اثبات بیگناهی رژیم در مورد به کما رفتن آرمیتا گراوند و انتشار فیلم‌هایی از این حادثه کمکی به فضای عمومی جامعه و آرامش مردم نمی‌کند، نمی‌تواند از برآمد افکار عمومی داخلی و خارجی ممانعت به عمل آورد.

بارها تاکید کرده‌ایم رژیمی که به مردمش تکیه نداشته باشد، بر اقتصاد نئولیبرالی و سیاست افزایش فقر و اختلاف طبقاتی و همینطور فشار بر زنان و حجاب و عفاف و گشت شکست خورده ارشاد پای فشارد و دغدغه‌اش باشد، همیشه کارش زار است، سرانجام جان سالم بدر نخواهد برد، سرنوشت غم‌انگیزی در انتظارش خواهد بود.*

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران



چون فیلم «گاو» بر اساس فیلم نامه ای از غلامحسین ساعدی، «هامون» و «اجاره نشین ها» اشاره کرد. آثاری گرانمایه از جهات مختلف فنی و اثر بخش در حوزه های سیاسی و اجتماعی.

در نظر سنجی های متعدد از سوی دست اندر کاران و نشریات فیلم و نمایش ایران در سال های متمادی، نام داریوش مهرجویی در میان بزرگانی چون بهرام بیضایی و عباس کیا رستمی بعنوان یکی از برترین سینماگران ایرانی از سوی مخاطبین آنها برگزیده شده است. اما فعالیت این هنرمند برجسته ایرانی تنها در زمینه فیلم و نمایش محدود نمی گردد. داریوش مهرجویی را میتوان بعنوان نویسنده ای پرکار در زمینه تالیف و ترجمه نیز بازشناخت. او که در اصل دانش آموخته رشته فلسفه بود آثار متعدد نوشتاری نیز از خود به جا گذاشت. به دور از تلاش برای قضاوت و ارزش گذاری این آثار باید اذعان داشت تلاش یک انسان برای درک، تأثیر پذیری و تأثیر گذاری در جامعه پیرامون خود نشان از ژرف اندیشی او دارد.

بنابراین قلم فرسایی در حوزه هایی همچون رمان، ترجمه آثار فلسفی و روان شناسی از سوی وی را فارغ از اینکه تا چه حد روشنی بخش و راه گشا بوده می توان نشانه مجاهدت او در فهم جهان پیرامون قلمداد کرد. تأثیرات این کنکاش فکری هنرمند را میتوان در فیلم «هامون» (با بازی درخشان خسرو شکیبایی در نقش حمید هامون به روشنی مشاهده کرد. پرسوناژ روشن فکری پریشان که در کشاکش یک دعوی زناشویی استعاری به دنیای فکری خود نقب میزند و در سکانس هایی از فیلم گرفتار در یک دنیای آثیری لایه هایی از ناخودآگاه خویش را بازنمایی می کند. بدون هیچ موشکافی و تنها با توجه به همین نشانه ها می شود اتمسفر دنیای فکری مهرجویی را که از ترجمه های فلسفی و روان شناسی اثر پذیرفته تا حدود زیادی فهم کرد. به هر اعتبار مهرجویی کسی نیست که بتوان او را در فضای فرهنگ و اندیشه معاصر ایران نادیده گرفت و به طور قطع مرگ تراژیک او و همسرش که وی نیز از اهالی سینما و تئاتر ایران بود فقدان بزرگی برای جامعه فرهنگ و هنر به حساب می آید.

پادشاه گرامی.*

قتل فجیع داریوش مهرجویی و همسرش، مردم و جامعه هنری را در شوک فروبرد

داریوش مهرجویی، کارگردان پیشکسوت، تهیه کننده و نویسنده و همسرش وحیده محمدی فر، فیلم نامه نویس، زمانی که برای صرف شام منتظر دخترشان بودند، به قتل رسیدند. خبر قتل این کارگردان که ساعت پایانی شبانه شب (۲۳ مهر) منتشر شد، جامعه هنری را در شوک فرو برد. بر اساس گزارش پزشکی قانونی، علت قتل داریوش مهرجویی و همسرش خونریزی شدید به دلیل جراحات وارده به واسطه برخورد چاقو یا جسم برنده و نوک تیز به بدن بوده است. انگیزه قتل هر چه بود اما خلاف تبلیغات رسانه های سه قلو لندن و اپوزیسیونی که به هروسيله ای توسل می جوید تا کار رژیم را یکسره کند، سیاسی نبوده است، نمی توان آن را بدون تحقیق و سند و مدرک به قتل های زنجیره ای گذشته ربط داد و نتیجه دلخواه خود را برای محکومیت رژیم اعلام کرد! دشمنی با رژیم نباید کارمبارزه سیاسی با نظام استبدادی سرمایه داری را به لجاجت و ابتذال سیاسی و جعل دروغ کشاند و با یک کلمه «کارخودشونه» بن بست سیاسی و تحلیل های من درآوردی خود را مکررا باز تولید کرد! چنین روشی شایسته یک اپوزیسیون مستقل و دمکرات نیست.

داریوش مهرجویی بی تردید یکی از موثرترین سینماگران ایرانی بود. فیلم سازی برجسته و از سردمداران موج نوی سینمای ایران که با بیش از نیم قرن فعالیت هنری آثار فراوانی را در عرصه سینما و تئاتر ایران خلق کرد. آثار این هنرمند ایرانی هم از لحاظ کمی و هم کیفی در بسیاری موارد جزو مهم ترین آثار سینما و تئاتر ایران قلمداد می گردد. تعدادی از آنها به جشنواره های مختلف بی المللی راه یافتند و جوایزی دریافت کردند و شماری نیز در جشنواره های داخلی ایران برنده جوایزی شدند. در این میان میتوان به نمونه های ارزشمندی

اما رژیم کماکان در کمال حماقت به عبث در پی تدوین قوانین جدید حجاب و عفاف جهت تهدید و تحقیر زنان میهن ماست. حجاب اجباری لعنتی‌ای که به دیده ما در هیچ دوره‌ای مشروعیت نداشت (زیرا که پیوسته مسأله خصوصی افراد بوده) و از پس از تعطیلی گشت‌ارشد (که دست آورد بزرگ مقاومت و مبارزات ۴۴ ساله زنان دلاور ایران بود) بیش از پیش مورد تنفر و تمسخر مردم ایران، بویژه زنان قرار گرفته است. بدون تردید مبارزه و مقاومت زنان علیه قوانین جدید ادامه خواهد یافت و مبارزه برای بدست آوردن حق آزادی پوشش در ابعاد وسیع تری ادامه خواهد یافت.

در میان سران رژیم که در مقابل مقاومت زنان ایران در مانده‌اند، اختلافات جدی، حتی در میان اصولگرایان حکومتی بالا گرفته است. مجید امامی رئیس «شورای عالی انقلاب فرهنگی» اذعان دارد که: «بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کشف حجاب داریم» و اعتراف می‌کند که «قادر به دستگیری ۵۰۰۰ زن در روز نیستیم» و به همین دلیل «نمی‌توان با متخلفان برخورد مجرمانه داشت».

لایحه عفاف و حجاب که گویا در ابتدا از سوی قوه قضائیه رژیم بود، مجلس به علت وجود اختلاف به دوفوریتی آن رأی نداد، زیرا در مجلس بر سر کل لایحه اختلاف نظر وجود داشت. برای نمونه خانم شیوا قاسمی پور نماینده مجلس در این رابطه گفت: «... امروز نه افراد با حجاب و نه افراد بی حجاب این لایحه را قبول ندارند». یکی از اختلافات مهم آن‌ها بر سر اصل سرکوب است که به علت مقاومت زنان در گذشته نتیجه منفی داده و در آینده نیز خواهد داد. موافقین لایحه معتقدند: بر اساس لایحه جدید سبک و سیاق و گشت‌ارشد را نخواهیم داشت، به افراد از طریق پیامک اخطار داده می‌شود. بهر صورت اختلاف نظر در رابطه با لایحه حجاب و عفاف بسیار جدی است. هم میان قوه قضائیه و کمیسیون و هم میان اعضای کمیسیون.

اما مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی می‌تواند در موارد ضروری صلاحیت وضع قوانین آزمایشی را به کمیسیون‌های خویش تفویض کند. از این رو وجود ضرورت از جمله شرایط امکان «قانونگذاری تفویضی» است! یعنی کافیست که از یک کمیسیون ۱۱ نفره ۸ نفر، با دو سوم آراء لایحه حجاب و عفاف را تصویب کنند. در عمل هم لایحه ۷۲ ماده‌ای جدید حجاب و عفاف در یک کمیسیون ۶ نفره حقوقی و قضایی مجلس با همکاری ۵ نفر از کمیسیون‌های دیگر، برای ۳ سال، آزمایشی به تصویب رسید. البته باید مورد تصویب شورای نگهبان نیز قرار گیرد. این لایحه به غایت ارتجاعی حتی شامل کودکان زیر ۱۵ سال نیز می‌شود. ما برای نشان دادن ماهیت این لایحه طالبانی در زیر می‌کوشیم چند ماده مهم را از دیده بگذرانیم:

- بدپوششی در محیط‌های عمومی
۲ بار اول ۲۴ میلیون تومان جزای نقدی. بار دوم، سوم و چهارم ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی. بار پنجم و بعد از آن ۱۰۰



سخنی پیرامون لایحه قرون وسطایی "عفاف و حجاب" و بن بست حکومت

چهار روز بعد از سالگرد مرگ مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد، مجلس نظام متحجر اسلامی، لایحه قرون وسطایی عفاف و حجاب را علیه زنان مقاوم و مبارز میهن ما آماده کرد. اگر بخواهیم کاملاً خوش‌بینانه به این حرکت خشک مغزان نظام مقدس! بنگریم تنها دلیلی که برای این حرکت می‌توان تصور کرد بی‌خردی مسئولان حکومت اسلامی می‌باشد. در حالی که مسئولان نظام می‌بایست برای به پیش بردن سیاست «گردش به شرق» فضای آرامی را برای مردم فراهم کنند، علیه زنان و جوانان، علیه کارگران و زحمتکشان دست به عمل می‌زنند و با ایجاد نارضایتی، پشت جبهه خود را ضعیف می‌سازند. بعد از ۴۴ سال هنوز نیاموخته‌اند که با داغ و درفش و قوانین ارتجاعی و پیاده کردن سیاست‌های نئولیبرالی نمی‌توانند زنان و مردان مبارز ایران را خاموش سازند.

سران ارتجاعی و پوسیده فکر نظام جمهوری اسلامی اگر ذره‌ای عقل می‌داشتند اتفاقاً می‌بایست به‌خاطر آرام گرفتن جو عمومی جامعه، از طرح چنین لایحه‌ای صرف نظر می‌کردند و در عوض برای جلوگیری از فساد و رانت خواری، با دزدان و غارتگران قاطعانه برخورد می‌کردند، مؤسسات تولیدی، رفاهی و خدماتی را جهت افزایش فرصت‌های شغلی و بهبود وضع اقتصادی سامان می‌دادند تا یکی از دلایل مهم مهاجرت دختران و پسران را ریشه کن کنند. دختران و پسران نوجوان و پرانرژی که با سرمایه‌ملی آموزش دیده و می‌بایست از آن‌ها جهت پیشرفت و تکامل جامعه حداکثر بهره‌برداری را کرد.

تا ۱۵۰ میلیون تومان + تا ۵ سال حبس + دو سال ممنوعیت خروج و ۶ ماه تا دو سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

– بد پوششی زنان: لباس بدن‌نما، تنگ یا لباسی که پائین‌تر از گردن و بالاتر از مچ پا و یا ساعد دست در معرض دید قرار داشته باشد.

– بد پوششی مردان: پوشیدن لباس بدن‌نما، یا لباسی که قسمتی از بدن پایین‌تر از سینه یا بالاتر از ساق پا، یا سرشانه فرد دیده شود.

– برهنگی و نیمه برهنگی: بار اول ۵ تا ۱۰ سال حبس و ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان جزای نقدی.

بار دوم و بعد ۱۰ تا ۱۵ سال حبس + ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون تومان جزای نقدی.

– کشف حجاب در محیط‌های عمومی: (یعنی بدون روسری، چادر یا مقنعه)

بار اول ۶ تا ۲۴ میلیون تومان. بار دوم و سوم ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان. بار چهارم و بعد ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان به اضافه ۲ تا ۵ سال حبس + ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور + ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

– بی‌حجابی در مراسم راهپیمایی، کنسرت، جشنواره بار اول ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی. بار دوم تا چهارم ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان. بار پنجم ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون تومان + ۵ تا ۱۰ سال حبس، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

– برهنگی و نیمه برهنگی: بار اول بازداشت توسط ضابطان + معرفی به دادگاه + ۱۰ تا ۱۵ سال حبس + ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور + ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

– بی‌حجابی در مراسم راهپیمایی، کنسرت، جشنواره بار اول ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی. بار دوم تا چهارم ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان. بار پنجم ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون تومان + ۵ تا ۱۰ سال حبس، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

– برهنگی و نیمه برهنگی: بار اول بازداشت توسط ضابطان + معرفی به دادگاه + ۱۰ تا ۱۵ سال حبس + ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور + ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

– بی‌حجابی در مراسم راهپیمایی، کنسرت، جشنواره بار اول ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی. بار دوم تا چهارم ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان. بار پنجم ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون تومان + ۵ تا ۱۰ سال حبس، ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی.

– مجازات بی‌حجابی افراد زیر ۱۸ سال: جزای نقدی مقرر در قانون حجاب + ۶ ماه تا دو سال ممنوعیت خروج از کشور.

– باید بانک اطلاعاتی دانش آموزان (حتی زیر ۱۵ سال) به منظور شناسایی افراد بی‌حجاب در اختیار نیروی انتظامی قرار گیرد. (بدین ترتیب جاسوسی و جاسوس پروری در میان مردم، ادارات و مراکز آموزشی عادی می‌گردد!!)

مدیران پاساژها شامل مجازات این ماده نمی‌شوند. چرا؟ زیرا که صاحبان پاساژها بطور عمده دزدان و رانت‌خوارانی هستند که با سران نظام سرشان در یک آخور است و جزو خودشان هستند!!

– بی‌حجابی سلبریتی‌ها، خبرنگاران و افراد تاثیرگذار: بار اول ۲۸۰ میلیون تومان + ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت در فضای مجازی.

– تبلیغ بی‌حجابی توسط صاحبان مشاغل: بار اول ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان جریمه نقدی + ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور. بار دوم ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون تومان جریمه نقدی + ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت تبلیغاتی. بار سوم و بعد از آن ۲ تا ۵ سال حبس + ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون جریمه نقدی + ۲

سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت تبلیغاتی. بار سوم و بعد از آن ۲ تا ۵ سال حبس + ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون جریمه نقدی + ۲

سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت تبلیغاتی. بار سوم و بعد از آن ۲ تا ۵ سال حبس + ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون جریمه نقدی + ۲

سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت تبلیغاتی. بار سوم و بعد از آن ۲ تا ۵ سال حبس + ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون جریمه نقدی + ۲

سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت تبلیغاتی. بار سوم و بعد از آن ۲ تا ۵ سال حبس + ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون جریمه نقدی + ۲

سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت تبلیغاتی. بار سوم و بعد از آن ۲ تا ۵ سال حبس + ۱۵۰ تا ۲۸۰ میلیون جریمه نقدی + ۲

سال ممنوعیت خروج و ممنوعیت تبلیغات.

– ترویج بی‌حجابی در پیام‌رسان‌های داخلی: مالکان موظف به سانسور و فیلتر محتوی هستند، (یعنی عادی و همگانی ساختن سانسور و شکستن قبح آن در جامعه، برای همیشه).

در صورت بی‌توجهی مدیران: بار اول: ۳ تا ۱۰ درصد سود سالانه + یک تا سه ماه ممنوعیت شغلی. بار دوم و بعد ۱۵ تا ۲۵ درصد سود سالانه و سه ماه ممنوعیت شغلی.

– بی‌حجابی کارمندان، معلمان، پرستاران، اساتید و کارکنان دستگاه‌های عمومی: ۶ ماه تا دو سال انفصال از خدمات دولتی و عمومی به اضافه جزای نقدی.

– برهنگی و نیمه برهنگی، بدپوششی، کشف حجاب، بی‌عفتی توسط راننده و یا سرنشین موتورها که منجر به جزای نقدی و توقیف موتور خواهد شد.

– تاكسی‌های اینترنتی موظفند سامانه گزارش بی‌حجابی به ماموران انتظامی را راه‌اندازی کنند، در غیر اینصورت مجبور به پرداخت جریمه به اندازه ۳ ماه از درآمد خود می‌باشند.

– مدیران شرکت حمل و نقل موظف به فراهم کردن امکان شناسایی افراد بی‌حجاب، بدپوشش، بی‌عفت، برهنه و نیمه برهنه به ماموران. (یعنی ضربه به کسب و کار مردم به اضافه جاسوس پروری)

– سفارش کار به افراد تبلیغ‌کننده بی‌حجابی: بار اول ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان جریمه. بار دوم ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان جریمه.

– طراحی، تبلیغ و تولید عروسک، لباس، مانکن بی‌حجاب، بدپوشش، بی‌عفت و برهنه. (آخوند از دیدن عروسک و مانکن بی‌حجاب و بدپوشش و بی‌عفت می‌شود – توفان!!): بار اول ۱۰۰ میلیون تومان جریمه + دو سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت در فضای مجازی.

بار دوم و بعد ۱۵۰ میلیون تومان جریمه + ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و فعالیت در فضای مجازی.

– واردات لباس، اسباب بازی، مجسمه، عروسک، مانکن یا تابلو مروج بی‌حجابی، بی‌عفتی و بدپوششی ممنوع است. (زیرا آخوند از دیدن عروسک، مجسمه و مانکن بدحجاب تحریک می‌شود – توفان!!)

– پرخاش و توهین به آمران به معروف ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان جریمه دارد. این در حالیست که پرخاش و توهین به زنان بی‌حجاب توسط آمران به معروف ۶ تا ۲۴ میلیون جریمه دارد!

(واضح است که این بند برای خالی نبودن عریضه نوشته شده است والا چاقو دسته خودش را نمی‌برد!) – توفان)

وزارت آموزش و پرورش: در نظر گرفتن یک نیروی کارشناس دینی (هرچه مرتجع‌تر بهتر) برای هر مدرسه به صورت تمام وقت از حوزه‌های علمیه. (نظارت و دخالت مستقیم روحانیت در امور آموزشی و فرهنگی) آموزش و ترویج عفاف و حجاب در کلیه پایه‌های تحصیلی ... برگزاری دوره آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان و کارکنان. (تحمیل اجباری حجاب – توفان)

– پرخاش و توهین به آمران به معروف ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان جریمه دارد. این در حالیست که پرخاش و توهین به زنان بی‌حجاب توسط آمران به معروف ۶ تا ۲۴ میلیون جریمه دارد!

(واضح است که این بند برای خالی نبودن عریضه نوشته شده است والا چاقو دسته خودش را نمی‌برد!) – توفان)

وزارت آموزش و پرورش: در نظر گرفتن یک نیروی کارشناس دینی (هرچه مرتجع‌تر بهتر) برای هر مدرسه به صورت تمام وقت از حوزه‌های علمیه. (نظارت و دخالت مستقیم روحانیت در امور آموزشی و فرهنگی) آموزش و ترویج عفاف و حجاب در کلیه پایه‌های تحصیلی ... برگزاری دوره آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان و کارکنان. (تحمیل اجباری حجاب – توفان)

– پرخاش و توهین به آمران به معروف ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان جریمه دارد. این در حالیست که پرخاش و توهین به زنان بی‌حجاب توسط آمران به معروف ۶ تا ۲۴ میلیون جریمه دارد!

(واضح است که این بند برای خالی نبودن عریضه نوشته شده است والا چاقو دسته خودش را نمی‌برد!) – توفان)

وزارت آموزش و پرورش: در نظر گرفتن یک نیروی کارشناس دینی (هرچه مرتجع‌تر بهتر) برای هر مدرسه به صورت تمام وقت از حوزه‌های علمیه. (نظارت و دخالت مستقیم روحانیت در امور آموزشی و فرهنگی) آموزش و ترویج عفاف و حجاب در کلیه پایه‌های تحصیلی ... برگزاری دوره آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان و کارکنان. (تحمیل اجباری حجاب – توفان)

– پرخاش و توهین به آمران به معروف ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان جریمه دارد. این در حالیست که پرخاش و توهین به زنان بی‌حجاب توسط آمران به معروف ۶ تا ۲۴ میلیون جریمه دارد!

(واضح است که این بند برای خالی نبودن عریضه نوشته شده است والا چاقو دسته خودش را نمی‌برد!) – توفان)

وزارت آموزش و پرورش: در نظر گرفتن یک نیروی کارشناس دینی (هرچه مرتجع‌تر بهتر) برای هر مدرسه به صورت تمام وقت از حوزه‌های علمیه. (نظارت و دخالت مستقیم روحانیت در امور آموزشی و فرهنگی) آموزش و ترویج عفاف و حجاب در کلیه پایه‌های تحصیلی ... برگزاری دوره آموزشی برای خانواده‌ها و معلمان و کارکنان. (تحمیل اجباری حجاب – توفان)

– پرخاش و توهین به آمران به معروف ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان جریمه دارد. این در حالیست که پرخاش و توهین به زنان بی‌حجاب توسط آمران به معروف ۶ تا ۲۴ میلیون جریمه دارد!

(واضح است که این بند برای خالی نبودن عریضه نوشته شده است والا چاقو دسته خودش را نمی‌برد!) – توفان)

- نصب دوربین‌های ثابت و سیار برای شناسایی بی‌حجابان
- به‌کارگیری حزب‌الله برای شناسایی و گزارش بدحجابان در معابر، اماکن، وسایل نقلیه و واحدهای صنعتی (آتش به اختیار کردن اراذل و اوباش، تقویت فرهنگ جاسوس‌پروری در همه عرصه‌ها و بالاخره به قهقرا بردن اخلاق اجتماعی).
- شناسایی عوامل تضعیف‌کننده نقش زن در خانواده (بدتر از طالبان)

- حمایت از گروه‌های مردمی نهی از منکر و امر به معروف (یعنی آتش به اختیارها) به‌جای ایجاد شغل و امکانات رفاهی، جاسوس و خبرنگار پرورش داده و به جامعه تحویل می‌دهند.
به اصطلاح «تعزیرات اسلامی جدید که در لایحه بی‌سابقه ۷۲ ماده‌ای حجاب و عفاف حجاب و عفاف مهر ننگی است بر پیشانی متحجران در قدرت.

رژیم به عبث می‌پندارد با تدوین چنین قوانینی می‌تواند زنان میهن ما را، هم تهدید کند و هم تحقیر. آن‌ها می‌پندارند که سنگین‌تر کردن جریمه‌های زندان تا ۱۰ سال و جزای نقدی تا ۴۰۰ میلیون تومان می‌تواند رعب و وحشت در دل زنان بیفکند، غافل از اینکه زنان شیردل ایرانی بیدی نیستند که به این بادها بلرزند.

افزایش چشمگیر جریمه‌های نقدی، شلاق، زندان، ممنوعیت‌های شغلی، فعالیت‌های سیاسی و مجازی، ممنوعیت خروج از کشور، تهاجم به کسبه به‌طور عام و صنعت گردشگری به‌طور خاص، تهدید کارمندان و شاغلین کارخانه‌ها، ادارات، بانکها، فروشگاه‌ها و ... دامنه قانون حجاب را گسترش داده است. آتش آنقدر شور است که این لایحه ارتجاعی حتی مورد اعتراض دست اندرکاران امور قضایی کشور نیز قرار گرفته.

بدون تردید زنان و مردان ایران زمین با مقاومت، قدرت و جسارت بی‌نظیر خود که طی ۴ دهه گذشته از خود نشان داده‌اند، از شرف، حیثیت و حق مسلم خود در مقابل این مرتجعین خشک مغز زورگو دفاع کرده و این لایحه را با شکست فاحش روبرو خواهند ساخت. همانگونه که گشت ارتجاعی ارشاد را به علت ناسازگار بودن با شرایط اجتماعی به عقب‌نشینی وادار ساختند. چه خوب گفت «سیف فرغانی» شاعر: «آن کس که اسب داشت غبارش فرو نشست، گرد سم خران شما نیز بگذرد.»

حزب ما همچون گذشته به دفاع از حقوق دموکراتیک زنان و مردان ادامه خواهد داد و این تعرض جدید رژیم جمهوری علیه زنان میهنمان را نیز افشاء خواهد کرد و از کلیه نیروهای مترقی، ملی و مردمی، به ویژه زنان دلاور و مبارز ایران دعوت می‌کند که متحداً علیه سیاست‌ها و تلاشهای مرتجعانه دست به مقاومت و مبارزه زنند. دفاع از حق مسلم زنان سرزمینمان، از مقاومت، رشادت و مبارزات دلاورانه آنان در مقابله با قوانین ارتجاعی وظیفه هر انسان ملی، مترقی و انقلابی است.*

در اختیار قرار دادن فضاهای مدارس، آموزشی و ورزشی در ساعات غیر آموزشی و ایام تعطیل برای فعالیت‌های فرهنگی مساجد. (گسیل ارتجاع سیاه به درون فضای آموزشی و مسموم ساختن آن) پراترها همه جا از توفان است.

حتی «آموزش و تربیت مبلغ ویژه حجاب از میان روحانیون برای محیط‌های آموزشی» را نیز در لایحه به غایت ارتجاعی و طالبانی خود گنجانده‌اند.

این لایحه ضد مردمی برای همه نهادها، سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها، ادارات، بانکها، آموزش و پرورش، علوم و تحقیقات فناوری، پزشکی و بهداشت و اقتصادی نقشه شوم حجاب و عفاف کشیده و در عمل می‌تواند آغازی برای گریز نیروی کار متبحر از کلیه ادارات و وزارتخانه‌ها و هجوم آن‌ها به صف مهاجران به خارج از کشور باشد. و به این ترتیب ضربه مهلک و کاری به نیروی جوان سازنده کشور و به طریق اولی به اقتصاد و اعتلای کشور زند.

این نیروی جزم‌اندیش ارتجاعی، دست طالبان را از پشت بسته است! آن‌ها با گنجاندن بندهایی در لایحه حجاب و عفاف به عوض ایجاد امکان برای رشد نیروهای متخصص و مبرز، سعی در فراری دادن آن‌ها دارند. و حتی در مواردی در رشته‌های مختلف اقتصادی کارشکنی و خرابکاری می‌کنند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

- شرط استخدام و بکارگیری داوطلبان بر اساس مقررات حجاب و عفاف اسلامی است. (به نوعی تعمیق روش قرون وسطایی تفتیش عقاید- توفان)

- تسهیل و تضمین وام از «سازمان برنامه و بودجه کشور» برای شرکت‌های نساجی که «چادر مشکی» تولید می‌کنند!!

- مجازات مدیران در صورت بی‌حجابی، بی‌عفتی، بدپوششی و برهنگی کارکنان: بار اول ۲۴ تا ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی + ۶ ماه تا ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور.

- «توریلدر» ها هم شامل این مجازات می‌شوند. (که به معنی ضربه کاری زدن به صنعت زمین خورده توریسیم، که منبع درآمد قشر وسیعی از هم‌میهنان ما به شمار می‌آید).

- وزارت صنعت و معدن باید از کارخانه‌های تولیدکننده لباس‌های منطبق با فرهنگ و عفاف حمایت کند. (!!)

- برخورد با اصناف ترویج‌کننده پوشاک فاقد عفاف و حجاب (مقابله با کسبه- توفان)

- وزارت اطلاعات باید از بارگذاری محتواهای مغایر حجاب جلوگیری کند. (کنترل تمام سایت‌ها- توفان)

- حتی برای «میراث فرهنگی و گردشگری» اجرای دستورالعمل به منظور ترویج «فرهنگ عفاف و حجاب»!! را صادر کرده‌اند.

- نظارت و کنترل فعالیت‌های گردشگری. (که ضربه مهلک دیگری به صنعت به خاک نشسته توریسیم در کشور وارد خواهد ساخت.

- بررسی متقاضیان فعالیت در مراکز وزارتخانه‌ها.

بر جهان انسانی و متمدن بوجود میاید. این مبارزه کنونی در جبهه‌های مختلف ادامه دارد و یکی از این جبهه‌ها مبارزه با سیاست‌های نئولیبرالی می‌باشد.

مبارزات کارگران و زحمتکشان در هر صورت در جبهه‌های داخلی و بین‌المللی به پیش می‌رود و هرگز تعطیل بردار نیست. در مهرماه نیز مبارزات کارگری بی‌وقفه ادامه داشت که در ادامه به بخشی از وقایع مبارزاتی نظری می‌افکنیم:

نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها ۳ مهر

کارکنان سکویهای شرکت فلات‌قاره و پایانه‌های نفتی «بهرگانسر»، رسالت، ابوزر و جزیره‌ی خارک» در اعتراض به بی‌عدالتی‌های دولت و بی‌عملی‌های مسئولین و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، تجمع اعتراضی برپا کردند و خواستار حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات سال‌های قبل و اجرای کامل ماده ۱۰ شدند.

تعدادی از کارگران اخراجی یکی از پیمانکاری‌های فاز یک شرکت پالایش گاز هویزه، برای دریافت مطالبات شان مقابل این شرکت تجمع کردند. این کارگران که با قرارداد کوتاه مدت سه ماهه مشغول کار بودند در اعتراض به اخراج خود، با مسدود کردن درب ورودی شرکت خواهان بازگشت بکار خود شدند.

۴ مهر

کارکنان شرکت (ای آی ای دی) پتروشیمی دهلران نسبت به عدم پرداخت معوقات دستمزدی از خرداد ماه و همچنین اخراج نیروهای بومی توسط این شرکت اعتراض کرده و با مسدود کردن جاده منتهی به پتروشیمی دست به اعتراض زدند و خواهان پیگیری مطالبات خود توسط مسئولان شدند. کارگران اعلام کردند که تا تحقق مطالبات خود به اعتراضات ادامه خواهند داد.

۱۰ مهر

در ادامه‌ی هفته گذشته، مجدداً کارکنان سکویهای دریایی در ۲ شرکت فلات‌قاره ایران و نفت و گاز پارس در اعتراض به سقف غیرقانونی حقوق تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران معترض اعلام داشتند که تا رسیدن به خواسته‌های برحق خود تجمعات ادامه خواهد یافت.

۱۲ مهر

کارکنان پتروشیمی آبادان در ششمین روز از اعتصاب خود در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی و اقتصادی در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل و تبدیل وضعیت اینتارگری به رسمی از دیگر مطالبات کارکنان است. مسئولان شرکت نه تنها به خواسته‌ی کارگران اعتصابی توجهی نکرده‌اند بلکه از شیوه‌های گوناگون برای اعمال فشار به کارگران استفاده می‌کنند.

۱۷ مهر

کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) در پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به وضع بد معیشتی و نداشتن امنیت شغلی دست به تجمع زده و خواستار حذف شرکت‌های واسطه و پیمانکاری تامین نیروی کار شدند. کارگران همچنین خواستار تسریع در صدور نفت کارت و اجرای اصلاحات طرح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشند که بعد از گذشت سال‌ها علیرغم صدور ابلاغیه آن؛ هنوز انجام نشده است.

۲۳ مهر

کارکنان فلات‌قاره منطقه خارک و منطقه بهرگان در حمایت از همکاران منطقه سیری تجمع اعتراضی برگزار کردند. طبق هماهنگی پرسنل مناطق عملیاتی فلات‌قاره، مقرر شده منبع و تا زمانی که



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در مهرماه ۱۴۰۲

کارگران و زحمتکشان ایران و جهان در کنار خلق مبارز فلسطین، مهرماه را با بی‌مهری جهان جنایتکار و خونریز امپریالیست‌های غرب آغاز کردند و با پافشاری بر مطالبات برحق بشریت مترقی، جهانی همراه با عدالت نوید دادند. در زمانی که تمامی جهان روبه زوال صهیونیست‌ها و امپریالیست‌های غربی با جنگ و دندان علیه خلق‌های بپاخاسته در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به صف می‌شوند و شمشیرهای خود را از رو می‌بندند، اتحاد زحمتکشان جهان رعب و وحشت مرگ را برای دشمنان بشریت به ارمغان آورده است.

در حالیکه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها هر روز مردم میهنان و خلق‌های منطقه را تهدید می‌کنند و وطن ما نیاز به پشت جبهه قوی برای ترساندن دشمنان دارد تا جرأت هیچ خطای ضد بشری را به خود ندهند، سیاست‌های نئولیبرالی دولت، مجلس و اتاق بازرگانی که مورد حمایت تمامی جناح‌ها و باندهای مافیایی در قدرت می‌باشد، موجبات سوءاستفاده کفتران بین‌المللی و مزدوران داخلی‌شان را فراهم می‌کند. ایران برای گذر کردن از دنیای تک‌قطبی و تثبیت موقعیت خود در جهان چند قطبی نیاز به آرامش نسبی در درون دارد. طی کردن این مسیر پر چالش بدون پشت جبهه نسبتاً قوی امکان موفقیتش ضعیف است. مسئولان حکومتی می‌بایست درک کنند که نمی‌بایست دختران و زنان گرانقدر ایران را با افکار پوسیده و لوایح ارتجاعی آزار دهند، نمی‌بایست اجرت ۱۳۰ ساعت اضافه کاری پرستاران یک میلیون و نهصد هزار تومان باشد، نمی‌بایست کارگران معدن را در زیر آوار حرص و آرزومایه‌داران مدفون کرد و یا حق خواهی آنان را با جریمه و حبس و شلاق جواب گفت، نمی‌بایست حقوق‌های چند برابری زیر خط فقر و تبعیض و اخراج و عقب افتادن حقوق و حق بیمه را برای کارگران و زحمتکشان در نظر گرفت و در همان حال با تبعیضی باور نکردنی، زندگی آتچنانی و حقوق‌های نجومی را به آقا زادگان و خودیها ارزانی داشت. بلکه می‌بایست به سیاست‌های خانمان برانداز بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی پایان داد تا این چرخش تاریخی به جهان چند قطبی، این چرخش تاریخی برای برون رفت از جهنم ساخته امپریالیست‌های غربی صورت گیرد. واقعیت این است که با تغییر در سیاست‌های موجود، امکان بیشتری برای رهایی کامل ایران و جهان از سلطه چند صد ساله غرب وحشی

تأمین اجتماعی شهر خود تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند.

۱۰ مهر

جمعی از بازنشستگان مخابرات استان‌های همدان، خوزستان، کرمانشاه، زنجان، کردستان، مرکزی، لرستان، مازندران، گیلان، اردبیل، اصفهان، تهران، فارس، آذربایجان غربی و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته‌ی دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات منطقه مربوطه خود، تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند.

۲۴ مهر

جمعی از بازنشستگان مخابرات استان‌های کردستان، کرمان، مازندران، همدان، تهران، زنجان، فارس، آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، کرمانشاه، اصفهان، لرستان، ایلام، سیستان و بلوچستان، مرکزی، هرمزگان، خوزستان (اهواز)، خوزستان (دزفول)، و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات مرکز استان مربوطه خود دست به تجمع و راهپیمایی اعتراضی زدند.

۲۵ مهر

گروهی از بازنشستگان خوزستان، کرمانشاه، کردستان، قزوین، همدان، در اعتراض به اجرا نشدن "همسان‌سازی"، معیشت و زندگی سخت و اسف‌بار بازنشستگان، پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت بازنشستگان سال ۱۴۰۱ و دیگر مطالبات خود، مجدداً مقابل صندوق بازنشستگی در مراکز استانها تجمع اعتراضی برگزار کردند. «معلم زندانی آزاد باید گردد!»

کارگران دیگر

۱ مهر

کارگران کارخانه سیمان ارومیه با مطالبه افزایش دستمزد دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. کارگران می‌گویند در حالی که مدیران کارخانه بیش از ۶۰ میلیون حقوق دریافتی دارند، کارگران با حقوق ۱۲ میلیون تومانی نمی‌توانند امرار معاش کنند. این در حالی است که کارگران پیمانی تا ۲۵ سال سابقه کار تنها ۷ میلیون حقوق دریافت می‌کنند. متناسب‌سازی حقوق براساس نرخ تورم، اجرای طرح همسان‌سازی حقوق‌ها، استخدام رسمی کارگران قراردادی و بی‌ثبات کار و تخصیص بیمه تکمیلی به کارگران از جمله اصلی‌ترین مطالبات کارگران معترض بوده است.

گروهی از کارکنان آبفا شهرستان شوش با تجمع در این اداره پیگیر مطالبات خود از جمله پرداخت منظم حقوق شدند. برخی از پرسنل بین ۶ تا ۱۰ ماه حقوق معوقه و چندین سال بیمه پرداخت نشده دارند و علاوه بر آن اختلاف زیاد حقوق بین پرسنل وجود دارد.

دادگاه انقلاب اهواز متعاقب گزارش مرجع انتظامی و شکایت شاکی پرونده کیفری «شرکت صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین» حکم ظالمانه حبس، شلاق و جزای نقدی برای هفده کارگر معترض گروه ملی فولاد صادر کرد. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به‌همراه چند تشکل مستقل بازنشستگان در بیانیه مشترکی حکم دادگاه علیه کارگران فولاد را محکوم ساختند.

۶ مهر

احکام ظالمانه اعضای کانون صنفی معلمان استان بوشهر «محمود ملاکی، محسن عمرانی، عبدالرضا امانی‌فر و اصغر حاجب» که در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ بازداشت شده بودند، صادر گردید. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن

مطالبات قانونی پرسنل به‌نتیجه نرسد، هر یکشنبه در مناطق عملیاتی فلات، تجمعات اعتراضی برگزار شود. لازم به یادآوری است دوشنبه‌های اعتراضی سکوی عملیاتی نیز به‌قوت خود باقی بوده و کارکنان سکو با یکدیگر عهد کرده‌اند پیگیری مطالبات قانونی خود را تا اجرای قانون و عدالت ادامه دهند. کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری نیز مقابل ساختمان مدیریت این شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار «حذف کامل سقف‌حقوق، حذف محدودیت حق‌سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات سال‌های قبل، اجرای کامل ماده ۱۰ و ...» شدند.

۲۵ مهر

کارکنان رسمی شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری برای سومین روز پیاپی در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل ساختمان مدیریت این شرکت دست به تجمع زدند. در طول هفته‌های گذشته کارکنان رسمی نفت در شرکت‌ها و سکوی نفتی و گازی به‌صورت هفتگی اعتراضاتشان را برپا می‌کردند، اما در هفته‌ی جاری این اعتراضات به‌صورت روزانه در جریان بوده است.

۲۹ مهر

گروهی از کارکنان قراردادی (معین) ستادی مناطق نفتخیز جنوب، شرکت فلات قاره و منطقه یک عملیات انتقال گاز میانکوه برای چندمین بار در یکسال گذشته مقابل ساختمان شرکت مناطق نفت خیز جنوب در اهواز تجمع کردند و خواستار اجرای کامل مصوبه دی ماه ۱۴۰۰ شورای اداری و استخدامی صنعت نفت «فوق‌العاده‌های تخصصی و مخصوص، عیدی کارگری، بازخرید مرخصی بر اساس قانون کار، محاسبه اضافه کاری و پاداش بهره‌وری مطابق نیروهای قرارداد معین، اعطای پاداش تحصیلی به فرزندان کارکنان» شدند.

۳۰ مهر

کارکنان رسمی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به بی‌عدالتی‌های دولت و بی‌عملی‌های مسئولین و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، مجدداً مقابل ساختمان مدیریت این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند و خواستار حذف کامل سقف‌حقوق، حذف محدودیت حق‌سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات سال‌های قبل و اجرای کامل ماده ۱۰ شدند.

بازنشستگان

۳ مهر

بازنشستگان تأمین اجتماعی در استانهای خراسان رضوی، خوزستان، تهران، اصفهان، مرکزی، گیلان، کرمانشاه، لرستان، هرمزگان، همدان، فارس، کردستان (در سنندج و سقز)، زنجان، اردبیل، سیستان و بلوچستان و ... در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان سازمان تأمین اجتماعی مراکز استان مربوطه خود دست به تجمع زدند. در اهواز بازنشستگان دست به راهپیمایی زدند و در شهر تهران به‌دلیل این که نیروی انتظامی مانع برگزاری تجمع بازنشستگان مقابل ساختمان مخابرات شد، بازنشستگان مقاوم تجمع خود را داخل یکی از پارک‌های اطراف محل برگزار کردند.

۹ مهر

جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد مازندران، اصفهان و البرز مرکزی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد مربوطه خود تجمع کردند.

گروهی از بازنشستگان شوش، اهواز، کرمانشاه و ... نسبت به وضعیت بد معیشتی، فقر و گرانی و تبعیض و نابرابری‌ها مقابل ساختمان

محکوم کردن احکام ظالمانه و اعلام حمایت قاطع از اعضای کانو صنفی معلمان بوشهر، و دیگر فعالین صنفی، به آمرین و عاملین چنین احکامی هشدار داد که: «صدور این احکام نه تنها مانع مطالبه گری معلمان نخواهد شد بلکه این سرکوبها خشم نهفته معلمان را شعله‌ورتر از هر زمانی خواهد کرد.»

۸ مهر

کارکنان رسمی و شرکتی شاغل و بازنشستگان مخابرات استان آذربایجان شرقی همزمان با سفر مدیرعامل و هیات مدیره به این شهر برای شرکت در جلسه افتتاح پروژه نجما، با نشستن نمادین بر سر سفره خالی در محوطه ساختمان مرکزی مخابرات استان در شهر تبریز تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار پرداخت مطالبات و حقوق معوقه خود شدند.

۱۵ مهر

کارکنان شرکتی و قراردادی از نیروهای شسکام و پرسنل خدمات اول (تی سی تی) مخابرات ایران در استان‌های گیلان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد و شهرستان سقز در استان کردستان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق هایشان و سطح نازل حقوق و شرایط نامناسب کاری دست به برگزاری تجمع زدند.

کارگران مشاغل سخت و زیان آور در اعتراض به سنگ اندازیهای سازمان تامین اجتماعی در مقابل آنان، مقابل ساختمان سازمان تامین اجتماعی گیلان در گلسار رشت، دست به تجمع زدند.

گروهی از افراد دارای معلولیت در تهران، اردبیل، خوزستان، کردستان، اصفهان، مازندران، کرمانشاه و برخی دیگر از استان‌ها «در تهران، مقابل سازمان برنامه و بودجه و در دیگر استان‌ها مقابل اداره بهزیستی استان‌های مربوطه» تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار اجرای ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان شدند.

۱۸ مهر

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (دبلیو اف تی یو) با انتشار بیانیه‌ای خشونت علیه فلسطینیان را محکوم ساخت. در بخشی از این بیانیه آمده است: «سیاست‌های تبعیض نژادی و مذهبی سالهاست علیه مردم فلسطین انجام می‌شود. جنایاتی که با تسامح و حمایت تحریک‌آمیز اسرائیل از سوی قدرت‌های بزرگ امپریالیستی یعنی آمریکا، اتحادیه اروپا و بقیه متحدان آنها انجام می‌شود و در سال‌های اخیر وحشیانه‌تر و غیرقابل قبول‌تر شده است.»

جمعی از «کارگران بیکار شده شهرداری جیرفت» خواستار مشخص شدن وضعیت شغلی و بازگشت به کار خود شدند. نزدیک به پنج ماه از بلا تکلیفی شغلی نزدیک به ۱۴۳ کارگر اخراجی شهرداری جیرفت می‌گذرد و کارگران اخراجی هنوز پیگیر بازگشت به کار خود هستند ولی هیچ مسئولی پاسخگو نیست.

کارگران کارخانه «رویا پلاستیک کردستان» در شهرک صنعتی شماره یک سنندج دست به اعتصاب زدند. کارگران با ۱۲ ساعت کار در روز با دستمزدی کمتر از حداقل مصوب قانون کار و بدون دریافت هیچ مزایایی کار می‌کنند. کارفرما هیچ توجهی به خواسته‌های برحق آنها نکرده و گفته است که: «حققتان را نمی‌دهیم، هر کاری که دلتان می‌خواهد انجام دهید!»

۲۲ مهر

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری (دبلیو اف تی یو) با صدور اطلاعیه جدیدی از کلیه تشکلهای اتحادیه‌های کارگری جهان خواست تا همبستگی خود با مردم فلسطین را اعلام کنند. اتحادیه

سراسری کارگران ایتالیا (یو اس ب) به‌عنوان یکی از اعضای (دبلیو اف تی یو) در پاسخ به فراخوان این تشکل برای محکومیت جنایات اسرائیل و دفاع از فلسطینیان، ضمن محکومیت اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی، از مردم فلسطین اعلام حمایت کرد.

۲۴ مهر

اتحادیه‌های کارگری فلسطینی با صدور یک فراخوان جهانی برای اقدام فوری، از کارگران در همه‌جا می‌خواهند تا فروش و تأمین مالی اسلحه به اسرائیل و تحقیقات نظامی مرتبط با آن را متوقف کنند. در بخشی از این فراخوان آمده است: «این وضعیت اضطراری و نسل کشی، تنها با افزایش همبستگی جهانی با مردم فلسطین قابل پیشگیری است. امری که می‌تواند ماشین جنگی اسرائیل را مهار کند. ما به شما در هر جای دنیا که هستید نیاز داریم که برای جلوگیری از تسلیح دولت اسرائیل و شرکت‌های درگیر در زیرساخت‌های محاصره، فوری اقدام بکنید. ما از نمونه بسیج‌های عمومی پیشین اتحادیه‌های کارگری در ایتالیا، آفریقای جنوبی و ایالات متحده و بسیج‌های عمومی بین‌المللی مشابه علیه تهاجم ایتالیا به اتیوپی در دهه ۱۹۳۰، دیکتاتوری فاشیستی در شیلی در دهه ۱۹۷۰ و بسیج‌های عمومی در مناطق دیگر الهام می‌گیریم که در آنها همبستگی جهانی، دامنه وسعت و وحشیگری استعماری را محدود نمود.»

۲۵ مهر

جمعی از کارگران شرکت فنی ساختمانی تهران جنوب شاغل در پروژه ساخت «صنایع پلیمر گچساران» در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و پرداخت نشدن معوقات مزدی خود مقابل کارگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران به‌صورت روزمزدی به‌عنوان جوشکار، آرماتور بند، قالب بند، بنا و... در پروژه مشغول کارند، مطالبات مزدی سه تا چهار ماهه اخیر را از کارفرمای خود طلبکارند.

۲۶ مهر

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران و چند تشکل مستقل بازنشستگان با ارسال نامه‌ای فدراسیون جهانی اینداستریال کبیر را به محکوم ساختن جنایات اسرائیل دعوت کردند. در این نامه آمده است: «جنگ در غزه از دهه‌ها پیش شروع شده و مختص امروز نیست. مردم فلسطین اگر امروز می‌جنگند برای دفاع از خود و آزادیست که از آنها گرفته شده است. ... ما نیز تجربه ۸ سال جنگ و بمباران‌های آن را تجربه کرده‌ایم و غم بزرگی که امروز وجدان بشریت را آزرده با تمام وجود حس می‌کنیم. لذا از رهبری فدراسیون جهانی اینداستریال بزرگ می‌خواهیم با تمام قوا این جنایات بشری را محکوم و از هرگونه کمکی به مردم غزه مضایقه نکنند.»

۲۷ مهر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای بمباران بیمارستان در غزه و کشتار غیر نظامیان محکوم ساخت. در این اطلاعیه آمده است: «سندیکای کارگران شرکت واحد همصدا با دیگر اتحادیه‌های کارگری در جهان این جنایات را قویا محکوم می‌کند و به بازماندگان این قتل عام تسلیت می‌گوید.»

پیروز باد مبارزات متحدانه کارگران و خلق‌های جهان!
پیروز باد مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین!

چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!*

مواجه ساخته است.

واضح است که در چنین محملی تحقق خواست‌های اساسی کارگران که نیاز به پافشاری و مطالبه متمرکز و مستمر دارد نه تنها جامه عمل نمی‌پوشد بلکه در بسیاری از موارد دچار عقبگرد نیز میگردد. از جمله این عقبگرد ها می‌توان به تثبیت قراردادهای موقتی کار در طول دو دهه گذشته اشاره کرد که در نبود تشکل‌های قدرتمند کارگری، نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران به جامعه کارگری تحمیل کرد.

در این میان صنعت ساخت و ساز مسکن در ایران که در شمائل غیر دولتی خود بیشتر مستحق نام بساز بفروشی است، بدترین و غیر عادلانه‌ترین شرایط را برای کارگران این بخش فراهم آورده است. بخشی که به حق می‌توان گفت در نبود قوانین مالیاتی منصفانه به‌رانتی‌ترین و هارترین شکل سرمایه‌داری در ایران تجلی بخشیده. انواع فساد از جمله سفته بازی، کلاهبرداری، احتکار و کم فروشی در آن هویدا و انکار ناپذیر است. جالب اینجاست که سرمایه‌گذاران این بخش که اکثرا بساز بفروش‌ها و متقلبان سیستم بانکی و وامی کشورند با اینکه از مواهب بسیاری برای دستیابی سودهای چند صد درصدی برخوردارند با این حال از استثمار کارگران موقت و در بسیاری مواقع مهاجرین نیازمند کار نیز دست بردار نیستند. به نحوی که با به کارگیری این کارگران از پرداخت حق بیمه مربوط به کارفرما نیز شانه خالی کرده و به سود خود می‌افزایند. در چنین شرایطی کارگران ساختمانی به‌عنوان نحیف‌ترین بخش کارگران ایران از کمترین حقوق مثل بیمه درمانی و بازنشستگی نیز محروم می‌مانند. وضع قوانین حمایتی بسیار اندکی که در سال‌های اخیر به چشم می‌خورد نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای به حق این کارگران باشد. هر چند که همین قوانین اندک هم به بهانه‌های واهی همچون نبود بودجه کافی یا بیم فرار سرمایه‌ها قابلیت اجرا نمی‌یابد.

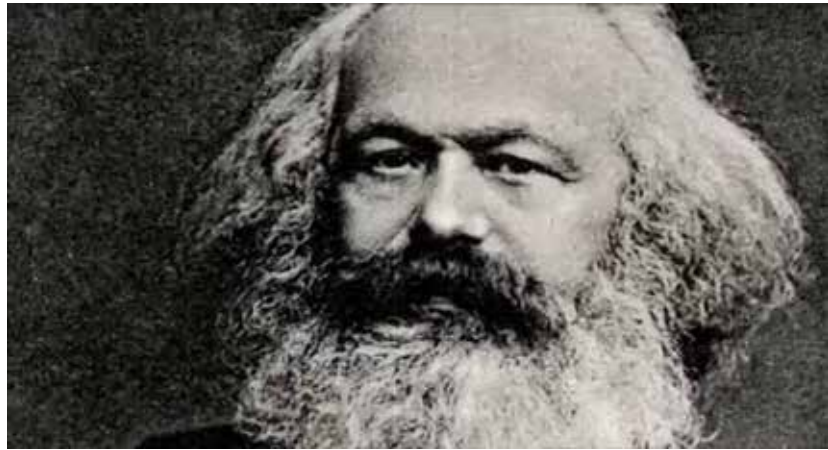
نظام حاکم بر ایران نشان داده حداقل در سده‌ده گذشته علیرغم شعارهای دهان‌پرکن طرفداری از مستضعفان تمام مساعی خود را در استحکام قواعد سرمایه‌دارانه به کار گرفته و با وضع قوانین ضد کارگری و به‌نفع طبقه سرمایه‌دار کار را به‌جایی رسانده که بخش بزرگی از کارگران به‌زیر خط فقر رفته‌اند. کارگران و زحمتکشان ایران باید دریابند که راه رهایی‌شان از این همه ظلم و نابرابری تکیه بر نیروی خود و همبستگی طبقاتی است و جستجوی هر نجات‌دهنده‌ای خارج از این حیطه راه به بیراهه می‌برد.*



کارگران ساختمانی به مثابه نحیف‌ترین حلقه زنجیره کارگران ایران

به‌طور کلی کارگران ایرانی به‌دلیل عدم برخوردارگی از حقوق سندیکایی مستقل به‌مراتب از همگنان خود در جوامعی که این حقوق از جانب دستگاه حاکمه به‌رسمیت شناخته می‌شود، در دستیابی به امتیازات کم توان‌ترند. بدیهی است که حق داشتن سندیکایی مستقل که بتواند با وارد کردن فشار و چانه‌زنی با کارفرما حداکثر منافع کارگران را تضمین کند یکی از اساسی‌ترین حقوق کارگران است که در نتیجه سالها مبارزه طبقاتی به‌دست آمده و در قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله کشور ما نیز گنجانده شده است. علیرغم این به‌رسمیت شناسی، کارگران ایرانی همواره برای دستیابی به آن با چالش‌ها و محدودیت‌های فراوانی روبرو بوده‌اند. از جمله این چالش‌ها یکی ایجاد تشکل‌های به‌ظاهر کارگری است که گاهی تحت عناوینی همچون خانه کارگر یا انجمن اسلامی کارگران فلان واحد صنعتی شاهد آن بوده‌ایم. تشکل‌هایی که از اساس با هدف کنترل کارگران ایجاد شده و با جای دادن عناصر ضد کارگری در راس آن به‌نوعی ماهیت ارتجاعی شان در خدمت به‌نظام سرمایه‌سالار تضمین گشته است. در مواقعی نیز که کارگران موفق به تشکیل جمعیتی مستقل گشته‌اند، مثلا سندیکای کارگران شرکت واحد یا سندیکای کارگران هفت‌تپه علی‌الرغم کامیابی در پاره‌ای موارد به‌دلیل افتادن رهبری این تشکل‌ها به‌طرح مطالبات سیاسی زود رس و ناپخته زمینه برای برخورد امنیتی از سوی حاکمیت با آنها فراهم گردیده و پیگیری مطالبات سندیکایی را با مشکلات جدی

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریره نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

رویزیونیسم چیست؟

رویزیونیسم جریانی است در درون جنبش انقلابی کارگری که به بهانه «انطباق خلاق» مارکسیسم بر واقعیت موجود در احکام اساسی مارکسیسم تجدید نظر می‌کند و به جای آنها افکار رفرمیستی و بورژوائی می‌نشانند. تجدید نظر در احکام اساسی مارکسیسم به سود بورژوازی و به زیان پرولتاریا - این است آنچه که رویزیونیسم نامیده می‌شود.

برای روشن شدن مطلب مثالی بیاوریم: تاریخ می‌آموزد که هیچ طبقه محروم و ستم دیده نتوانسته است قدرت را در دست گیرد بدون آن که این قدرت را به زور تصرف کند و مقاومت طبقات حاکمه را که برای نجات سلطه خویش از هیچ عمل جنایت کارانه‌ای پروا ندارد درهم شکنند. مارکس و انگلس، لنین و استالین و مائوتسه دون انقلاب قهرآمیز را در زمره احکام اساسی مارکسیسم به شمار آورده‌اند. البته مارکس و لنین هر کدام در یک مورد و برای موقت، از حالت استثنائی سخن به میان آورده‌اند ولی آنچه بر روی آن تکیه کرده‌اند انقلاب قهرآمیز به مثابه حکم عام است.

مارکس در ۱۸۷۰ در مورد انگلستان و اتازونی می‌گوید که: «کارگران می‌توانند از طریق مسالمت آمیز به هدف‌های خویش

دست یابند»

اما اضافه می‌کند که:

«حتی اگر چنین امری هم محتمل باشد ما باید بپذیریم که در اکثر کشورهای اروپا باید زور را به مثابه اهرم انقلاب به کار انداخت»

مارکس در همین مورد استثنائی انگلستان نیز اینگونه سخن می‌راند:

«تا موقعی که بورژوازی بریتانیا انحصار حق انتخابات را در دست دارد همیشه خود را آماده برای پذیرفتن تصمیمات اکثریت نشان خواهد داد. ولی قبول کنید که اگر این بورژوازی احساس کند که در مسائلی که برای وی مهم و حیاتی است در اقلیت خواهد افتاد ما با جنگ جدیدی را از جانب اربابان برده‌دار روبرو خواهیم بود»

برای لنین:

«انقلابات بزرگ حتی موقعی که مانند انقلاب کبیر فرانسه به طور مسالمت آمیز آغاز گردند با جنگ‌های سختی که بورژوازی ضد انقلابی آغاز کرده پایان یافته‌اند». «فقط واژگونی بورژوازی از راه قهر، مصادره اموال او و درهم شکستن تمام دستگاه بورژوائی از بالا تا پائین، دستگاه پارلمانی، قضائی، نظامی بوروکراتیک اداری و شهرداری و غیره - فقط این اقدام‌ها می‌تواند تمام طبقه استثمارگر را واقعا به تبعیت وادارد.»

بیهوده نیست که لنین خاطر نشان می‌سازد که: «اساس تمام آئین مارکس و انگلس عبارت است از لزوم تلفیق منظم اندیشه انقلاب قهرآمیز - و درست همین اندیشه - به توده‌ها»

برای استالین:

«این اندیشه که می‌توان چنین انقلابی را به طور مسالمت آمیز و در چهارچوب دموکراسی بورژوائی که مختص بورژوازی است انجام داد به این معنی است که یا انسان عقل خود را و کلیه معلومات عادی بشری را از دست داده است و یا آشکارا و بی‌پروا منکر انقلاب پرولتاریائی است»

برای مائوتسه تونگ:

وظیفه مرکزی و شکل عالی انقلاب، تصرف قدرت از راه مبارزه مسلحانه است یعنی حل مسأله انقلاب از راه جنگ. این اصل انقلابی مارکسیسم لنینیسم در همه جا در چین مانند کشورهای دیگر صادق است»

چنانچه می‌بینیم در آموزش مارکسیسم انقلاب قهرآمیز امری ناگزیر است در حکم قانون است و تاریخ هم تاکنون استثنائی بر این قانون نمی‌شناسد. اما رویزیونیسم در برابر این آموزش مارکسیسم، انقلاب مسالمت آمیز را می‌گذارد. یعنی انقلاب از راه به دست آوردن اکثریت کرسی‌ها در پارلمان بورژوازی. رویزیونیست‌ها برای پیش کشیدن این اندیشه ضدانقلابی و ضدمارکسیستی به این توضیح متوسل می‌شوند که پس از جنگ تغییرات عظیمی در صحنه جهان به سود نیروهای انقلابی روی داده و بر اثر این تغییرات اکنون این امکان پیدا شده است که بتوان از راه انتخابات اکثریت کرسی‌های پارلمان را اشغال کرد و این دستگاه پارلمانی را به آلت انقلاب مبدل ساخت. *

انگیزه‌ای، برخوردار است. امپریالیست‌ها با همبستگی ملی و قدرت ملت‌ها، که می‌توانند در مقابل آنها قد علم کنند، بیمناک‌اند و ترجیح می‌دهند به تجزیه کشورها پردازند، تا بتوانند با تسلط بر هر یک از این ممالک جداگانه و مالا ضعیف، شیره جان مردم و منابع اولیه این ممالک را به‌مکند و غارت کنند.

آیا حقیقتاً شرم‌آور نیست که مشتی اقلیت ناچیز و یا توده فریب‌خورده سرکوب و نابودی سایر ملت‌ها را، وثیقه آزادی ملت خودشان قرار دهند؟ طبیعی است که در اینجا، حتی برخلاف ظاهر این شعار، دفاع از ملت خود، یعنی ملت ایران نیز مطرح نیست، زیرا آزادی مردم ایران با آزادی مردم منطقه همسرنوشتی دارد. آزادی ملت ایران در گرو مبارزه ملت ایران برای سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و قطع دست‌های امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها از منطقه است و نه تنها از لبنان و فلسطین. امپریالیست‌ها برای سرکوب و غارت ایران، تمام منطقه خلیج فارس را به پایگاه‌های نظامی خویش بدل کرده‌اند، جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکیه، کردستان عراق، افغانستان و بسیاری ممالک آسیای میانه مقر پایگاه‌های آنها علیه ایران است و نه تنها ایران آخوندی، بلکه ایران آزاد و دموکراتیک و انقلابی فردا نیز از این پایگاه‌ها مورد تهدید و خطر قرار خواهد گرفت. این واقعیت‌ها ربطی به غزه و لبنان ندارد. این عوام‌فریبی و خاک‌پاشیدن به چشم مردم ایران است، اگر مدعی شویم مشکلاتی که امپریالیست‌ها در منطقه ایجاد کرده‌اند، ناشی از حمایت مصلحتی رژیم جمهوری اسلامی از مبارزه مردم فلسطین و لبنان است، آیا اگر رژیم جمهوری اسلامی از این سیاست خویش دست بردارد، بحران منطقه خاتمه می‌یابد و امپریالیست‌ها به خانه‌های خویش برمی‌گردند؟ خیر، چنین پندارهای پوچی را نمی‌توان پذیرفت و به آن دامن زد.

در برخورد با سازمان حماس این درست است که ایدئولوژی این سازمان یک ایدئولوژی ارتجاعی است و نیروهای انقلابی باید به مبارزه با این ایدئولوژی ارتجاعی پردازند. این هم درست است که در آغاز کار این صهیونیست‌ها بودند که در زمان حیات عرفات برای تفرقه در نهضت فلسطین جریان‌های ارتجاعی اسلامی را تقویت می‌کردند، تا از یک جنبش ملی یک جنبش اسلامی بوجود آورده و با تفرقه‌اندازی و ابزار تبلیغاتی مغزشوئی، شرایط توجیهی سرکوب نهضت فلسطین را به کف آورند. ولی پیروزی شکننده حماس را در یک انتخابات دموکراتیک، نتیجه دسیسه صهیونیست‌ها و یا جمهوری اسلامی جازدن، که در همان زمان خمینی با یاسر عرفات درافتاد، حماقت محض است. سازمان حماس از آنجهت توانست نظر مردم فلسطین را جلب کند که دارودسته‌های سازشکار در نهضت فلسطین به زیر قرارداد استعماری اسلو امضاء گذاشتند. قراردادی که موجودیت ملت فلسطین را نفی می‌کند و برای آنها حق



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

به یک پرسش

پرسش: چرا حزب شما، حزب کار ایران توفان با شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» مخالف است؟ این شعار اعتراضی علیه رژیم اسلامی است که جان ملت را به لب رسانده است. تازه مگر سازمان حماس دارای ایدئولوژی انقلابی است که از آن حمایت می‌کنید. این سازمان از رژیم ایران کمک مالی می‌گیرد. من ضد فلسطین نیستم، ولی این شعار را فقط یک اعتراض می‌بینم. فکر نمی‌کنم هیچ سازمان چپ فلسطینی با حماس، که یک سازمان مذهبی است، همکاری کند. با تشکر. ع. هدایت. کانادا

پاسخ: دوست عزیز، سرزمین فلسطین و مبارزه ملت فلسطین و همبستگی با این ملت در بند و دلاور قبل از روی کار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشته است و ربطی به نظام اسلامی ندارد. مردم فلسطین حق دارند با هر وسیله‌ای از سرزمین‌شان دفاع کنند و از هر کشوری با حفظ استقلال خود برای دفع تجاوز و بیرون‌راندن صهیونیست‌ها کمک گیرند.

همبستگی نیروهای انقلابی ایران با مبارزات مردم فلسطین سابقه طولانی دارد و این از سرشت انسان‌دوستانه نیروهای انقلابی، بویژه چپ و کمونیست‌های واقعی ایران برمی‌خیزد که همواره نسبت به مبارزات ملل تحت ستم ابراز همبستگی کرده و این امر از افتخارات آنها بوده است.

این شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» یک شعار کاملاً گزینشی، سیاسی، ناسیونال‌شونیستی و نژادپرستانه برخلاف ظاهر فریبنده‌اش، یک شعار سراپا ارتجاعی است. این شعار از نظر تنوریک نادرست و از نظر عملی در خدمت جنایات و مصالح صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه است. نه صهیونیست‌ها و نه امپریالیست‌ها دل‌شان برای کشور ایران و نوار غزه و مردم لبنان، سوریه، یمن و نسوخته است، ولی دل‌شان از این می‌سوزد، که ملت فلسطین از حمایت دولت ایران با هر

حیات قایل نیست. این قرارداد شرم آور هرگز از جانب فلسطینی‌ها منتشر نشد و در دسترس مردم فلسطین قرار نگرفت، ولی در عمل صهیونیست‌ها به آن عمل کردند. اینکه فلسطین را تکه تکه پاره کنند و آنها را توسط دالان‌های زیرزمینی به هم وصل کنند از «قرارداد اسلو» منشاء می‌گیرد و بسیاری نکات دیگر که نقل‌اش از حوصله این کلامت خارج است. مردم فلسطین این ننگ را نپذیرفتند و به دنبال سازمانی رفتند که در مقابل این قرارداد استعماری سینه سپر کرد. علت تقویت سازمان حماس را در فلسطین باید در سیاست آنها و نه در ایدئولوژی آنها، در خواست‌های سیاسی اجتماعی مردم فلسطین و نه در ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی جستجو کرد. هر سازمان دیگری نیز در فلسطین به مخالفت آشکار با این سند برمی‌خاست، از محبوبیت فراوان میان مردم فلسطین برخوردار می‌شد. مثنی عوامل «انقلابی» اسرائیلی در میان ایرانیان تبلیغ می‌کنند که حمایت از جنبش فلسطین به معنی حمایت از ایدئولوژی حماس است. آنها با همین منطق هوادار تجاوز به ایران هستند زیرا فراخواندن مردم به مقاومت در مقابل امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را حمایت از رژیم جمهوری اسلامی جا می‌زنند. برای این ستون پنجمی‌های ایرانی هوادار امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها، کشور ایران مترادف جمهوری اسلامی است. طبیعتاً این عین تبلیغات صهیونیست‌هاست. این سوپر انقلابی‌های بی‌وطن ایرانی از ترورهای اسرائیلی‌ها در نوار غزه حمایت می‌کنند و برای آنها دست می‌زنند. زیرا به زعم آنها اسرائیلی‌ها که «دموکرات» و «ضد تروریسم» هستند، مسلمانان بنیادگرا را می‌کشند و به نظر آنها کشتن و ترور افراد حماس مانعی ندارد. با منطق آنها هر چه بیشتر از آنها بکشند، بهتر است. این است که آنها برای اقدامات فاشیستی و تروریستی اسرائیل لهله کرده و دست می‌زنند. اینها فاشیست‌های ایرانی هستند که فکر می‌کنند با آدم کشی و ترور می‌شود یک فکر سیاسی را از میان برداشت. آنها نمی‌بینند که مضمون این مبارزه بر سر رد و یا تأیید کشتن یک عنصر ارتجاعی نیست. زیرا که اگر مسئله چنین بود، آنوقت هرگز نمی‌شد به ترور افراد انقلابی، که با همین روش توسط ارتجاع صورت می‌گیرد، اعتراض کرد؟ هرگز! در اینجا سخن بر سر اصول است. آیا می‌شود مدافع تروریسم دولتی بود؟ آیا می‌شود با گرسنگی دادن به ملتی برای تنبیه این ملت که چرا در یک انتخابات دموکراتیک سازمانی را که مورد میل صهیونیست‌ها نبوده است، برگزیده است، موافقت کرد؟ آیا می‌شود تجاوز به یک سرزمین را به هر علت مورد تأیید قرار داد؟ آیا می‌شود حقوق ملل را خودسرانه به زیر پا گذارد؟ فقدان اصولیت، کار را به آنجا می‌کشاند که سرانجام بحث تنها به یک نکته محدود می‌شود و آن اینکه مرتجعین را می‌شود به این شیوه ترور کرد و این امر خوبی است در حالی که ترور انقلابیون به این سبک کار زشتی محسوب می‌شود. این منطق را در هیچ کجا و به هیچ بهائی نمی‌توان فروخت.

ولی تعریف اینکه چه کسی مرتجع است و چه کسی مرتجع نیست را با فتوای کدام مرجع می‌توان عملی ساخت؟ همه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی از نظر صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها ارتجاعی‌اند. شاه از آنها به عنوان ارتجاع سرخ سخن می‌گفت و آنها را قتل عام می‌کرد. انقلاب ایران باید به این تفکر فاشیستی پایان می‌داد.

حال مثنی ایرانی خودفروخته همان تفاله‌های فکری ارتجاع را پذیرفته و برای اسرائیل سند مقبولیت در جهان تهیه می‌کنند و برای تروریسم دولتی اسرائیل که نیروی فاشیستی اشغالگر است، دست

می‌زنند و لهله می‌کنند. این عده به نظر ما ماهیتاً فاشیست هستند و نه کمونیست. اسرائیلی‌ها هم این را خوب می‌دانند.

در حالی که نیروهای انقلابی در سراسر جهان در عین مبارزه روشنگرانه بر ضد افکار بنیادگرائی مذهبی اعم از اسلامی، یهودی، مسیحی از مبارزه مردم فلسطین دفاع می‌کنند، یاران اسرائیل با معرکه گرفتن علیه حماس هدف‌شان نفی مبارزه مردم فلسطین است.

حمایت نیروهای انقلابی بر اساس طبقاتی است و نه بر اساس «مدرنیسم» و ترهات احزاب اسرائیلی پیروان منصور حکمت. مبارزه‌ای که مردم فلسطین می‌کنند و خواست عمیق این مردم است، پایان دادن به اشغال سرزمین فلسطین است. صهیونیست‌ها باید گور خودشان را از سرزمین فلسطین گم کنند. اگر سازمان‌هایی نظیر حماس نیز از این مبارزه مردم، خواست مردم حمایت می‌کنند، نمی‌توان به آنها ایراد گرفت. ایراد به کسانی وارد است که از این خواست‌ها دفاع نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند نوکر صهیونیست‌ها باشند.

دوست عزیز نظرتان در مورد عدم همکاری سازمان‌های چپ با حماس اشتباه است. از قضا اطلاعات صحیحی در مورد اوضاع فلسطین و سازمان‌های سیاسی و جنبش مقاومت فلسطین ندارید. برای اطلاع‌تان سند زیر را که در رابطه با همکاری عملی جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جرح حبش که یک سازمان چپ مارکسیستی است، با سازمان حماس که در چند سال پیش صورت گرفته است، می‌آوریم تا پی به حقایق درون سرزمین اشغال شده فلسطین ببرید:

نظر جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مورد همکاری مشترک علیه دشمن متجاوز صهیونیست، مؤرخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۹ معان نیوز، خبرگزاری فلسطین

معان نیوز: رابطه امروز بین حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین چگونه است؟

جواب: بر اساس مقاومت فعلی بیان می‌شود.

معان: اما جبهه خلق برای آزادی فلسطین یک جنبش سکولار است. آیا این مسئله در همکاری با حماس، که به یک جامعه اسلامی و یک دولت اسلامی اعتقاد دارند، مشکل ایجاد نمی‌کند؟

جواب: هر دوی ما حماس و جبهه خلق برای آزادی فلسطین متعلق به اردوگاه مقاومت هستند، اردوگاه مقاومت که از مردم، آرمان و حقوق اساسی ما دفاع می‌کند.

هر دوی ما به اصطلاح «مذاکره» را رد می‌کنند، ما همکاری با اشغال‌گر را رد می‌کنیم و همه راه حل‌های به اصطلاح سیاسی را که مبتنی بر انکار و تخریب حقوق مردم ماست، رد می‌کنیم. ما هر دو در مقاومت در برابر قتل عام‌ها و نسل‌کشی، که علیه مردم فلسطین انجام می‌شود، متحد هستیم. آنچه اتفاق می‌افتد، این است که اکنون ما را متحد می‌کند. وحدت در جنگ، برای مردم ما، برای آرمان و حقوق ما»

امید که با این پاسخ نسبتاً مفصل ما در مورد برخورد به مسئله فلسطین و شعار انحرافی «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران!» تجدیدنظر کنید! پیروز باشید *



پرسش به یک پاسخ در تلگرام

پرسش: سلام به رفقای سخت کوش توفانی که این روزها سنگ تمام گذاشتید برای ملت مظلوم و تحت ستم فلسطین. پرسش من این است چرا حکومت اسرائیل را غیر قانونی می دانید و موجودیت آن را به رسمیت نمی شناسد. مگر نه اینکه شورویها در دوره استالین اسرائیل را به رسمیت شناختند. از طرفی راه حل حزب شما برای ملت فلسطین و یهودیهای این سرزمین چیست؟ اساسا چگونه دولت اسرائیل شکل گرفت از کجا سر بلند کرد چرا اینهمه از نقش بریتانیا در این مورد حرف و حدیث است؟ بسیار سپاسگزارم از پاسختان. قادر رحیمی.

نوروز: پاسخ: قادر گرامی درود بر شما و سپاس از نامه تان. اگر بخواهیم به همه سئوالات شما پاسخ مفصل دهیم بسیار طولانی می شود در یک شماره نشریه امکانش نیست ولی سعی می کنیم به مهمترین نکاتی که در شرایط کنونی اهمیت دارد پاسخ قانع کننده ای ارائه دهیم.

حزب ما موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد زیرا این نظام بر پایه نژادی، نسل کشی و حمایت قدرت های استعماری انگلیس و آمریکا تاسیس شد. لذا نمی توان چنین حکومت استعماری و اشغالگر و صهیونیستی را که برداری از خون و فاجعه و تاراندن میلیونها نفر بنا شده است را به رسمیت شناخت.

تاکنون هیچ قدرت استعماری در هیچ گوشه ای از جهان داوطلبانه دست از سر ملل تحت سلطه برداشته است. حکومت اشغالگر و استعماری اسرائیل نیز از این قاعده مستثنی نیست و بازورسروکوب و کشتار به سلطه استعماری اش ادامه خواهد داد. خلق فلسطین نیز همانطور که تاریخ صد ساله اخیر نشان داده است راهی جز ادامه نبرد قهرآمیز برای رهایی ملی پیش روی خود نمی بیند. یا نبرد قهرآمیز انقلابی علیه اشغالگران صهیونیست تا پیروزی بر دشمن یا تسلیم و مرگ و تدریجی. راهی جز این دوره متصور نیست.

دولت اسرائیل به عنوان یک قدرت اشغالگر از سال ۱۹۴۸ با خشونت و ترور ایجاد شد و هنوز هم این خشونت و توحش ادامه دارد. شاید برای درک مبارزه قهرآمیز فلسطینیان علیه قدرت اشغالگر، پیشینه مختصری در مورد علل خشونت و کشتار امروز مردم فلسطین توسط اسرائیل ضروری باشد. اسرائیل خشونتش را بر اساس «دفاع از خود» تعریف می کند. در حالی که یک حکومت اشغالگر حق دفاع از خود را در مقابل مردم تحت اشغال ندارد. دفاع مردم فلسطین از خود دفاع از سرزمین مادری و برای آزادی ملی است. برای پی بردن به چگونگی تاسیس دولت اسرائیل باید به بیانیه بالفور، وزیر امور خارجه وقت بریتانیا در ۱۹۱۷ رجوع کنیم تا به نقش استعماری این امپراطوری در مورد تاسیس و اهداف اسرائیل صهیونیسم پی ببریم. این بیانیه از حکومت یهودی در سرزمین فلسطین حمایت می کند. بنابراین بذری کاشته شده بود که در نهم نوامبر ۱۹۱۷ در روزنامه تایمز مقاله ای تحت عنوان «سرزمین فلسطین برای یهودیان» منتشر شد. در چند سطر این مقاله چنین آمد:

تشکیل دولت ملی برای یهودیان در سرزمین فلسطین تلاشی برای احیای فیزیکی و از میان بردن ساکنان آنجاست، ساکنانی که بخواهند حقوق مذهبی و سیاسی یهودیان را نقض کنند. «چنین است مضمون «بیانیه بالفور» که بعدها موجب

انفجار در سرزمین فلسطین گردید، وحشتناکترین خشونت دولتی و تروریسم صهیونیستی که جهان تا به حال به خود دیده است. این نطفه استعماری و نسل کشی و نژادی است که حتی امروز، پس از بیش از صد سال مسئله فلسطین حل نشده است، زیرا دولت آپارتاید، دولت اشغالگر و صهیونیستی دائما باعث بروز جنگ های جدید و بی ثباتی، کشتار و ویرانی در سرزمین فلسطین و در منطقه خاورمیانه می شود. تا زمانیکه چنین نظام نژادپرست و متجاوزی در سرزمین فلسطین وجود دارد جنگ و کشتار و ناامنی وجود خواهد داشت. اسرائیل بعنوان چماق دست دست امپریالیست های انگلیسی و آمریکایی در منطقه و سرکوب جنبش های آزادیبخش عمل می کند.

راه حل مسئله فلسطین، راه حلی است بر اساس نفی نظام صهیونیستی اسرائیل بعنوان یک قدرت استعماری و نژاد پرست. اجرای یک همه پرسی در سرزمین فلسطین و تشکیل یک دولت بزرگ فلسطینی که هم مردمان عرب مسلمان، هم مسیحیان و هم یهودیان و غیره در یک کشور بصورت مسالمت آمیز زندگی کنند، عادلانه ترین راه برای تحقق یک زندگی انسانی فارغ از تنش تبعیض است. طبعاً چنین همه پرسی باید در برگیرنده ۷ میلیون فلسطینی بی خانمان که در اثر سیاست استعماری و فاشیستی صهیونیستها در منطقه و سراسر جهان پراکنده شدند و در اردوگاه های پناهندگان در لبنان، سوریه، تونس و غیره بسر می برند حق بازگشت داشته باشند و از طرفی کلیه یهودیانی که از ممالک دیگر بصورت مصنوعی به سرزمین فلسطین سرازیر شدند و بصورت غیرقانونی و توسل به زور و کشتار زمین و خانه فلسطینی ها را تصاحب کردند، به کشورهای خود برگردند و رفع زحمت کنند همانطور که اشاره رفت راه حل فلسطین لغو حکومت آپارتاید و تشکیل یک دولت بزرگ فلسطینی است و نه دولت کوچک فلسطینی در یک چهارم سرزمین فلسطین مثلاً در غزه یا نواحی روداردن. چنین دولتی اگر بتواند نامش را دولت گذاشت امکان بقا ندارد و مورد پذیرش مردم فلسطین نخواهد بود. در غیر اینصورت قهر و خشونت تا نابودی حکومت آپارتاید ادامه خواهد داشت. پرسش این است آیا صهیونیست های اسرائیلی چنین طرح صلح و عاری از خشونت را برای همزیستی مسالمت آمیز مردمان این سرزمین می پذیرند. پاسخ از پیش روشن است. خیر! بنابراین خلق فلسطین راهی جز ادامه نبرد قهرآمیز برای بیرون ریختن اشغالگران از خاک فلسطین ندارند. یا این راه یا راه تسلیم و مرگ تدریجی. راه دیگری متصور نیست.

اما در مورد نقش شوروی در به رسمیت شناختن اسرائیل از طرف دشمنان سوسیالیسم تحت رهبری استالین بسیار سخن رفته است و با دروغ و جعلیات تلاش دارند شوروی سوسیالیست را همدست صهیونیسم جلوه دهند. شایان توجه است که اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در آن زمان در شرایط بسیار بغرنج و پیچیده ای قرار گرفته بود. کمیسیون معروف به یازده کشور، که همه غیر از شوروی همگی وابسته به امپریالیسم آمریکای انگلیس بودند بودند رأی به تشکیل کشور اسرائیل دادند. شوروی نمی توانست از حق و توبهه جویید. زیرا حق و تویی برای هیچ کشوری وجود نداشته بود. لذا هر رأی می داد تفاوتی در عمل نمی کرد، اکثریت دولتها در این کمیسیون آن را تصویب می کردند. شوروی فقط اسرائیل را در چنین شرایطی یعنی شرایط دفاکتو برسمیت شناخت. اصطلاح دفاکتو در حقوق بین الملل یعنی به رسمیت نشناختن قانونی اما چون این امر بالفعل است فعلاً به پذیرش آن تن داده می شود. طبق تصمیم کمیسیون سازمان ملل ۵۶ درصد اراضی فلسطین به یهودیان تعلق گرفت که کمتر از ۱۵ درصد جمعیت را دارا بودند و ۴۶ درصد به فلسطینی ها که بیش از ۷۵ درصد جمعیت را تشکیل می دادند. از این رو مردم فلسطین به زیر بار این قطعنامه و تقسیم سرزمینشان نرفتند و آن را مردود و غیر قانونی اعلام کردند. شورویها از همان آغاز خواهان یک دولت بزرگ فلسطینی یهودی بودند که به حقوق همه ادیان و اقلیتهای ملی و قومی پاسخ برابر و دمکراتیک دهند و همه در کشور واحدی زیست کنند. اما قدرت های امپریالیستی با آن مخالفت کردند. شورویها بلافاصله پس از آن پی به اهداف و ماهیت صهیونیستی اسرائیل بردند و صهیونیسم را ایدئولوژی امپریالیستی و نژادپرستانه اعلام کردند و خواستار وحدت طبقه کارگر و زحمتکشان عرب و یهود شدند و همچنین ایده کشاورزی تعاونی کبیوتس را نیز برآمده از نظریه استعماری تحلیل کردند. دوست عزیز، ما فعلاً به این مختصر بسنده می کنیم، امید که به پرسشهایتان با توجه به محدودیت صفحات نشریه، پاسخ مفید داده باشیم. پروژ باشید.*



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آناه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346